

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۲۱

۲۷ فروردین ۱۳۹۹ / ۱۵ آوریل ۲۰۲۰

حقوق ما

آب و حقوق بشر



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسینزاده (نگاه حقوقی)، نیک‌آهنگ کوثر (تمام مصاحبه‌ها و گزارش‌ها)

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

از سرآب تا آب

بررسی نقض حقوق بشر آسیبدیدگان از مدیریت آب
مشمول مرور زمان نمی‌شود

حق دسترسی بشر به آب در گفت‌وگو با محمد مقیمی

نقض حقوق بشر به‌بهانه ایجاد زندگی

«میثاق» و دفاع از حقوق آب مردم
در زمانه ارباب

مستندسازی نقض حق دسترسی به آب

نقض حقوق بشر و محیط زیست
جنوب غرب کشور

سد سیوند؛ سدی که میراث فرهنگی را غرق کرد

حق دسترسی به آب، یکی از انواع حقوق بشر

از سرآب تا آب

نیک آهنگ کوثر، روزنامه‌نگار حوزه آب

وقتی می‌خواستم درباره بحث آب برای نشریه «حقوق ما» یادداشت بنویسم، چند بار شروع کردم و بعد نیمه‌تمام گذاشتمش، چون که اولاً حقوق‌دان نیستم و دانشم از بعد حقوقی ماجرا در حد برداشت محدودم از مقاله‌هایی است که در ۵-۶ سال اخیر خوانده‌ام و بس. هر چه بیشتر نوشتم و پاک کردم، به خاطره‌هایی رسیدم که وقتی به هم ربطشان دادم، مسائل بیشتری برای خودم معلوم شد. شاید بخشی از ماجرا ریشه در مباحث خانوادگی خود ما داشته باشد، تا حدی که وقتی پدرم می‌خواست مرا تشویق به خواندن رشته آب‌شناسی در دوران فوق لیسانس کند، تاکید کرد که «نام کوثر با آب مترادف است» اما نیک آهنگ ۲۳ ساله نمی‌خواست «بچه کیمیاگر» باشد و شغلش هم وراثتی شود.

من از کودکی کنار پروژه‌های مدیریت سیلاب و حفاظت از آب زیرزمینی بزرگ شده بودم و دو تابستان را پیش از دیپلم در بیابان سپری کردم تا فوت و فن ماجرا را بیاموزم. آن جا بود که با اصطلاح «حق‌آبه» و «میرآب» آشنا شدم... میراب حواسش به حق آبی کشاورزان بود... اما باز به جنبه‌های حقوقی آب

اواخر سال ۷۶ که عضو برنامه علمی "کاوش" رادیو شدم، بحث آب را جدی‌تر دنبال کردم، از حق که ضایع می‌شد و آبی که از بین می‌رفت حرف زدم اما جای بحث حقوق بشر خالی بود.

فکر نکرده بودم. تنها نگاهی که بعد از دیپلم به «حقوق» کردم، در حقیقت به ساختمان دانشکده حقوق دانشگاه تهران و بوفه‌اش بود، چون استادمان من و چند نفر دیگر را مامور انجام نقشه‌برداری ساختمان دانشکده حقوق کرد و ما هم برای خستگی در کردن در بوفه طبقه دوم می‌نشستیم و در تنها جایی که در دانشگاه تهران سالاد الویه داشت گوش‌مان را تیز می‌کردیم و به بحث‌های حقوقی دانشجویان گوش می‌کردیم. سال ۱۳۷۰ وارد مطبوعات شدم و اولین مدیر مسوولی که با او کار کردم، یعنی کیومرث صابری فومنی (گل‌آقا) فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق بود ولی در مورد مسائل حقوقی از او چیزی نشنیدم...از اولین کار مطبوعاتی‌ام در ارتباط با آب ۲۴ سال می‌گذرد. آن زمان دبیر نشریه‌ای بودم که روی سیستم‌های سطوح آب‌گیر باران متمرکز بود. هر از گاهی بحثی در باره حق‌آبه می‌خواندم اما آب به عنوان حقوق بشر در مباحث آن زمان محلی از اعراب نداشت. اواخر سال ۷۶ که عضو برنامه علمی «کاوش» رادیو شدم، بحث آب را جدی‌تر دنبال کردم، از حق که ضایع می‌شد و آبی که از بین می‌رفت حرف زدم اما جای بحث حقوق بشر خالی بود.

وقتی در بهار ۱۳۸۰ یادداشت‌هایی در نقد سیاست‌های آبی دولت خاتمی نوشتم، سعید لیلانز که قبلاً در روزنامه آزاد سردبیرم بود و در روزنامه نوروز، دبیر سرویس اقتصادی، منتشرشان کرد، اما گفت که این مطالب گروهی را حساس خواهد کرد. اولین کسی که حساس شد، خود سید محمد خاتمی بود که با احترام به دفترش احضار شدم. در یادداشت‌هایم آورده بودم که تمرکز روی سدسازی برای مدیریت منابع آب آثار بدی در آینده خواهد داشت، و در دیدار با رئیس جمهوری، آن هم سه روز بعد از انتخابات خرداد ۸۰، به او یادآور شدم که آب فلات مرکزی ایران و کویر، با سدسازی مدیریت نمی‌شود و ایرانیان از قدیم با مدیریت آب زیرزمینی و آبخوان‌ها و از طریق قنات جای جای ایران مرکزی را آباد کرده بودند.

شهر اردکان، زادگاه سید محمد خاتمی وام‌دار سدسازی نبود، و برای رفع عطش توسعه در مناطق گرم و خشک ایران‌زمین، یافتن سریع‌ترین راه تامین آب، نمی‌توانست بهترین راه‌کار باشد. آن زمان خاتمی خیال می‌کرد که بارندگی‌ها دائمی است و با سدها می‌توان آب را مهار و با کانال و لوله‌کشی به مناطق خشک آب‌رسانی کرد. خاتمی تحت تاثیر گفتمان غالب



آن دوران بود و حس کردم که دارم آب در هاون می‌کوبم. بعد از مدتی، انتشار یادداشت‌هایم در ارتباط با آب دچار ممنوعیت شد و حتی پاسخ به جوابیه جماعت وزارت نیرو در روزنامه نوروز اجازه انتشار نیافت. من هم در اعتراض به نقض «حق» آزادانه بیانم، از روزنامه‌ای که مدعی بود «ایران برای همه ایرانیان» است و شعار دبیرانش «دانستن حق همه است» بود، از این مجموعه بیرون رفتم. در راه خانه، جعبه به دست، به این فکر کردم که آیا آب می‌تواند جزو حقوق بشر باشد؟ و آیا دولت ایران از طریق پروژه‌هایش به حقوق مردم تجاوز کرده؟ آیا رسانه‌های وابسته به جناح دولتی در نقض حقوق بشر با ساختار قدرت هم‌دستی کرده‌اند؟ این فکر زودگذر سریع‌تر از آب دریاچه‌های فلات ایران تبخیر شد.

سال‌ها گذشت؛ عضو هیات مدیره یک نهاد بین‌المللی دفاع از حقوق بشر کارتون‌یست‌ها شده بودم... با ده‌ها فعال حقوق بشری آشنا بودم و در کنفرانس‌ها به بررسی زوایای مختلف حقوق بشر می‌پرداختم. اما نتوانسته بودم ارتباطی میان آب و حقوق بشر برقرار کنم، شاید به این دلیل که درگیر دعوای رسانه‌ای و سیاسی شده بودم، شاید چون خیلی از ما از پرسیدن نشانی خجالت می‌کشیم، یا شاید چون کم دقت بودم!

چند سال پیش، از پارلمان کانادا با من تماس گرفتند تا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران شهادت بدهم. با دوست حقوق‌دانم پیام اخوان هم‌فکری کردم و بر اساس پیشنهاد او بود که از زاویه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مساله بپردازم. منابعی را به من معرفی کرد و شروع کردم به خواندن. راهنمایی این استاد دانشگاه مک‌گیل مقدمه‌ای شد برای بحث و هم‌فکری با حقوق‌دانان ایرانی و غیر ایرانی با این امید که بیشتر بیاموزم و بتوانم بحث نجات منابع آبی ایران را در ابعاد مختلفی مطرح کنم.

از ۱۳۹۴ درگیر تولید برنامه در ارتباط با بحران آب بوده‌ام و بعد از راهنمایی پیام اخوان، بارها با حقوق‌دانان و فعالان محیط زیست درباره آب و حقوق بشر بحث کرده‌ام. یکی از دوستان فعال آب در حوضه زاینده‌رود که دل‌نگران خشکیدگی گاوخونی است و برای حال و روز سخت کشاورزان آن منطقه بی‌تابی می‌کند، گفت که شاید بهترین کار، بردن بحث به شکلی جدی به رسانه‌های جریان اصلی و فراهم کردن شرایط گفتگو در این باره است.

به این فکر کردم که آیا آب می‌تواند جزو حقوق بشر باشد؟ و آیا دولت ایران از طریق پروژه‌هایش به حقوق مردم تجاوز کرده؟

قبل از نوروز امسال و درست در روزهای قبل از آغاز قرنطینه لندن به خاطر شیوع ویروس کرونا، مهمان میزگرد «فردا»ی شبکه ایران اینترنشنال بودم که بحث آن جلسه‌اش، عدالت انتقالی بود. به تهیه کننده گفتم که موضوع را از منظر عدالت در ارتباط با آب و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شرایط ایران در دوران پیش از گذار، گذار و بعد از گذار بررسی می‌کنم و عمداً وارد مباحث دیگر نخواهم شد. واکنش‌ها و سوال‌های گروهی از بینندگان را شبکه‌های اجتماعی دنبال کردم و دنبال مآخذ و منبع بیشتری در این باب می‌گشتم که با دوستان نشریه حقوق ما تماس گرفتم. می‌خواستم بپرسم آیا در ارتباط با آب به عنوان یکی از حقوق بشر، آن هم از منظر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کاری کرده‌اند و مطلبی منتشر شده یا نه؟ خودتان می‌توانید حدس بزنید که چگونه به تله افتادم! اما تله‌ای که کمک بیشتری به خودم می‌کند.

از اینکه توانستم با گروهی از حقوق‌دانان مورد علاقه‌ام گفتگو کنم، بیش از حد خوشحالم و از اینکه از مصاحبه با برخی دیگر محروم مانده‌ام، غمگین و ناراحتم. از سازمان حقوق بشر ایران و مجله حقوق ما به خاطر فراهم کردن شرایط این فعالیت، ممنونم و امیدوارم این گام کوچک، حرکت‌های بزرگ‌تری به نفع ایرانیان محروم از حقوق آب به دنبال داشته باشد.

بررسی نقض حقوق بشر آسیب‌دیدگان از مدیریت آب مشمول مرور زمان نمی‌شود

اعلامیه جهانی حقوق بشر بدون وجود میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضمانت اجرایی چندانی ندارد اما از زمان تصویب اعلامیه تا تصویب میثاق، ۱۸ سال طول کشیده است. مضاف بر آن، کشورهای عضو هم می‌بایست آن را در مجالس خود تایید می‌کردند تا عملاً پاسخگو شوند.

مجله حقوق ما در این باره و در چارچوب حقوق انسان‌ها در رابطه با دسترسی به منابع آب، با شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل، گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما – خانم عبادی! خیلی ممنون از اینکه در بحث آب و حقوق بشر مشارکت می‌کنید. سوال نخست من به اعلامیه جهانی حقوق بشر و روند تکاملی‌اش بر می‌گردد. از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، یعنی بعد از جنگ جهانی دوم، تا حدود دو دهه بعد، این اعلامیه ضمانت اجرایی پیدا نکرد. علت این همه تاخیر چه بود؟

شیرین عبادی: بعد از اتمام جنگ جهانی دوم، دولت‌های جهان در یک گرده‌مایی و در حالتی که هنوز خاطره دهشتناک جنگ را فراموش نکرده بودند، اعلامیه حقوق بشر را نوشتند. اگر توجه کنید، در مقدمه بیانیه، آمده برای آن‌که جنگ دیگری در جهان اتفاق نیافتد دولت‌های جهان تعهد می‌کنند که این حقوق را برای اتباع خود به رسمیت بشناسند. یعنی در حقیقت در آن زمان با این

در حالتی که حکومت وظیفه

خود را انجام نمی‌دهد،

این رسانه‌ها هستند که

باید سکویی باشند برای

حقوق‌دانان و متخصصین تا

به مردم آگاهی بدهند

تنظیم شده بود در حالتی که در میثاقین جز به جز شرح داده می‌شد که منظور چیست. در کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی در حقیقت ناظر به کارهایی است که حکومت‌ها نباید انجام بدهند.

حقوق‌دانان معمولاً می‌گویند جنبه منفی دارد یعنی اینکه حکومت حق ندارد آزادی کسی را ضایع کند. حکومت حق ندارد شکنجه کند. حکومت حق ندارد اموال کسی را مصادره کند. این محدودیتی برای حکومت‌ها است. در حالی که در کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوقی که برای مردم شناخته شده به صورت ایجابی است، یعنی اینکه حکومت‌ها باید کاری را انجام بدهند، برخلاف اولی که نباید مرتکب عملی بشوند. اینجا [میثاق] جنبه اثباتی‌اش بیشتر است. مثلاً، برخورداری از رفاه، حق همه شهروندان یک کشور است، بدون تبعیض، بر اساس جنسیت یا قومیت یا نژاد یا زبان یا مذهب. خب، [باید بررسی کرد که] این مساله تا چه حد قابل رعایت است؟ یا اینکه همه اتباع یک کشور بایستی به حداقل رفاه دسترسی و از حق داشتن یک کار مناسب با تخصص و توانمندی خودشان برخوردار باشند.

آیا همه حکومت‌ها قادر هستند برای تمامی شهروندان خودشان کار ایجاد کنند؟ طبیعی است که نه! پس بنابراین بر می‌گردد که در حد امکانات هر کشوری بایستی بدون تبعیض این حقوق ایجاد و مردم از آن برخوردار شوند. اما اگر تبعیضی بود، آن وقت برمی‌گردد به مساله مندرج در حقوق مدنی- سیاسی که می‌گوید هیچ‌گونه تبعیضی قابل قبول نیست. به عبارت دیگر، نمی‌شود حکومتی را به خاطر اینکه تعداد بیکارانش زیاد است محکوم کرد. اما اگر بیکاری در اثر تبعیض و یا حکومت بد و یا اختلاس‌های فراوان ایجاد شده باشد، آن مساله دیگری است و در حقیقت خارج از این کنوانسیون باید در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی جستجو کرد.

حقوق ما- سال‌ها طول کشید تا مساله آب وارد مناسبات و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بشود. به هر شکل حق داشتن غذا و مسکن و پوشاک جزو حقوقی بود که در باره‌اش در ماده ۱۱ میثاق حرف زده بودند. اما وقتی به آب می‌رسیم، می‌دانیم که بدون آب نه می‌توان زنده ماند و نه غذایی تولید کرد. آب نهایتاً در سال ۲۰۱۰ میلادی به عنوان یک حق بشری پذیرفته شد. به نظر شما، دلایل این تاخیر چیست؟

شیرین عبادی: همانطور که گفتیم، زمانی موضوعی در حقوق بین‌الملل مطرح و به عنوان اصل شناخته‌شده اعلام می‌شود که ضرورت بین‌المللی‌اش را احساس کنند. مثلاً حفاظت از محیط زیست و یا حفظ حیات جانوران و نباتات در ۵۰ سال قبل مشکل



پیمان، حکومت‌ها معتقد بودند که اگر وضعیت مردم را بهتر کنند جهان گرفتار مصیبت جنگ نخواهد شد، [به‌ویژه] در مسائلی که در آن زمان بیشتر مورد بحث بود و شامل موضوعاتی بود که دنیا با آن درگیر بود. به عنوان مثال، سال‌ها آزادی‌های فردی و اجتماعی و مساله نیازمندی‌های مادی و اقتصادی مورد توجه قرار داشت. اما موضوعاتی که در آن زمان مشکل جهان نبود، مانند مسائل مربوط به محیط زیست، طبیعتاً در این بیانیه گنجانده نشد. این بیانیه در حقیقت نشانی از **توافق و اخلاق بین‌المللی داشت.**

اما [اعلامیه جهانی حقوق بشر] به صورت بسیار کلی [تنظیم شد] و فاقد ضمانت اجرایی بود. چند سال بعد با کار شبانه‌روزی تعدادی از حقوق‌دانان در سطح بین‌المللی، دو کنوانسیون **حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی** تصویب شد که به توضیح بیشتر تک‌تک مواد بیانیه پرداخت و ضمانت اجرایی برای عدم رعایت موازین آن تهیه شد.

به تدریج ساختارهای مربوط به حقوق بشر در سازمان ملل شکل گرفت. به عنوان مثال، می‌توان از کمیساریای عالی حقوق بشر نام برد. بعد از دل حقوق بشر رشته‌های متنوعی بیرون آمد که برای هر کدام مقررات جدا و مفصلی تدوین و سازمان‌های خاصی هم در سازمان ملل ایجاد شد. به عنوان مثال، مسائل مربوط به کودکان که در ابتدا بخشی از حقوق بشر کلی بود، به صورت مجزا مورد نظر قرار گرفت.

در ابتدا اعلامیه جهانی حقوق کودک تصویب شد، سال‌ها بعد کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کردند و سازمان یونسف مسوول نظارت بین‌المللی بر این بخش حقوق شد. یا در مورد مسائل مربوط به حقوق پناهندگان، مقررات خاص تصویب شد و کمیساریای عالی پناهندگان شکل گرفت. هدف از بیان تاریخچه این است که ریشه همه این‌ها در توافق جمعی از تبلور اخلاق بین‌المللی بعد از اتمام جنگ جهانی قرار دارد و ریشه به تدریج شاخ و برگ‌های گسترده‌ای پیدا کرد.

پس از تصویب میثاق‌ها، حکومت‌ها به تدریج به آن پیوستند و بر خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر که فوراً به تصویب تمام دولت‌ها رسیده بود. علت این تاخیر در دو مساله خلاصه می‌شود: اول اینکه هر چقدر از جنگ بین‌الملل دوم فاصله گرفتیم، خاطرات دردناک از ذهن مردم جهان و زمامداران آنها به تدریج محو شد و یا لااقل به شدت اولیه نبود.

دوم آنکه اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمانتی اجرایی نداشت، یعنی دولتی می‌توانست بگوید ”به‌به! خیلی خوب است، من [اعلامیه جهانی حقوق بشر را] قبول دارم“ اما اجرای‌اش نکند. اعلامیه [جهانی حقوق بشر]، همان‌طور که گفتم به صورت کلی

جهان نبود، یعنی دنیا به این مساله فکر نمی‌کرد، اما به تدریج با گسترش جوامع شهری این مشکل خودش را نشان داد. مساله آب هم به همین صورت است.

در ابتدا با توجه به اقیانوس‌های کلان روی کره زمین، شاید ۶۰ سال قبل کسی تصور نمی‌کرد که آب یکی از مشکلات جدی بشریت باشد، بنابراین در فکر تدوین قانونی هم برای آب نبودند. اما با گذر زمان ثابت شد که اقیانوس‌ها و آب‌های زیادی بر روی زمین وجود دارد، اما آیا همه آب‌ها قابل استفاده هستند؟ آیا همه به طور یکسان دسترسی دارند؟ و اگر قرار شد در منطقه‌ای مردم از آب قابل شرب برخوردار نباشند، چگونه می‌توان از حق تحصیل حرف زد؟ چگونه می‌توان از آزادی بیان حرف زد؟ برای اینکه احتیاج‌های اولیه یک شخص باید برطرف شود که بعد مسائل مهم‌تری مورد بحث قرار بگیرد. در نتیجه با ایجاد این ضرورت، مقررات جدیدی اضافه شد بر دامنه حقوق بشر، همان‌طوری که مثلاً در سال‌های اولیه تصویب کنوانسیون‌ها حقوق کودک به تنهایی مورد توجه نبود، اما بعداً این ضرورت را دیدند که حقوق کودکان باید جدا از حقوق بزرگ‌سالان دیده شود.

اگر مساله آب دیر مورد توجه قرار گرفت و راجع به آن مقرراتی در سطح بین‌المللی تصویب شد، به علت دیرکرد این نیاز بین‌المللی بود. همچنین فراموش نکنید که سازمان ملل متحد به عبارت دقیق‌تر اکنون **سازمان دولت‌های متحد** است. یعنی سازمانی که در ابتدای تاسیس تصور می‌کردند حکومت‌ها نمایندگان مردم و حافظ منافع مردم هستند. به همین جهت در تمامی تصمیم‌ها این حکومت‌ها هستند که شرکت می‌کنند و مردم تنها از طریق حکومت‌هایی که انتخاب کرده‌اند، در این تصمیم‌ها مداخلیت دارند. اما متأسفانه هر چقدر جهان پیش رفت، متوجه شدیم که دموکراسی در همه جا ایجاد نشد و بسیاری از حکومت‌ها - هر چند ظاهراً با انتخابات به قدرت رسیده باشند - نماینده واقعی مردم نیستند. اگر هم نمایندگی می‌کنند، نمایندگی بخشی از جامعه را برعهده دارند و در چنین شرایطی خیلی طبیعی است حکومت‌ها منافع دراز مدت تمام مردم را جهان را مد نظر قرار نمی‌دهند، بلکه منافع مد نظر است که خواسته‌های سیاسی را تامین کنند.

از این‌رو، با تأسف باید بگویم که هرچه از عمر سازمان ملل می‌گذرد، از اقتدار کمتری برخوردار است و شاید یکی از دلایل توجه دیر هنگام به موضوعات حیاتی مهم مثل آب، همین مساله است.

حقوق ما - آیا در ایران، در مورد محسوب‌شدن آب به عنوان حقوق بشر آموزش لازم از سوی کارشناسان حقوق

آب و یا حق‌آبه [به قول محلی‌ها] منازعات خونینی صورت گرفته که چند نفر کشته و زخمی شده‌اند. این به خاطر این است که مردم همدیگر را مقصر می‌دانند، حال آنکه تقصیر اصلی با حکومتی است که نتوانسته طوری برنامه‌ریزی کند تا نیازهای مردم را در این جهت مدیریت کند.

به عنوان مثال، ساخت سدهایی که باعث ایجاد مشکلاتی شده‌اند؛ یا مثال دیگر، ساخت و سازهای نامناسبی که اجازه داده‌اند صورت بگیرد و باعث خساراتی از جمله آمدن سیل شده است. کسی که خانه را ساخته، ممکن است [با ساخت خانه در حریم رودخانه] در آسیب سیل مسوولیت داشته و آن سیل عده‌ای را بی‌خانمان کرده است. اما صاحب خانه مقصر نیست، چون کسی مقصر است که اجازه ساخت آن خانه را داده است. ساکنین ده مجاور مقصر نیستند، مقصر کسی است که سدی را ساخته و آب را کم کرده، بنابراین احتیاجی به آموزش حقوق شهروندی، از جمله [در مورد] حق دسترسی به آب باید در ایران انجام شود که متأسفانه نشده.

یعنی خلاء آموزش در این زمینه کاملاً محسوس است. هم از جانب دولت و هم از جانب موسسات مردم‌نهادی که سعی کرده‌اند در این زمینه کار کنند. از آنجایی که حکومت ایران به روش پلیسی طی ۴۰ سال گذشته کشور را اداره کرده، همواره به این نهادها با دیده شک و سوءظن نگریسته و جلوی هر موسسه مردم‌نهادی را که مورد استقبال مردم بوده، گرفته است. هر چیزی را به کسب اجازه از دولت موکول کرده‌اند.

یعنی اگر شما بخواهید مجانی به مردم یک روستا یا شهر تدریس کنید و فقط بگویید با آب چگونه باید برخورد کرد، اول باید اجازه بگیرید. شما حق ندارید به کسی کمک کنید مگر از دولت اجازه گرفته باشید. طبیعی است که اجازه گرفتن از دولت، صرف نظر از بوروکراسی متداول در این کشور مواجه با مسائل امنیتی و پرسش‌هایی می‌شوید که حالا چه شده که می‌خواهید این کار را بکنید، در نتیجه موسسات مردم نهاد نتوانسته‌اند گسترش لازم را پیدا کنند، و به همین دلیل خلاء آموزش در این بخش محسوس است.

حقوق ما - بر اساس آن‌چه در سال‌های گذشته دیده‌ایم، جمهوری اسلامی گاهی برای رفع مشکلات سیاسی و یا راضی کردن شهروندان، کارهایی کرده از جمله ساخت سد، و بعد از تبلیغات بسیار، مردمی هم بابت اینکه فکر کرده‌اند مشکل کم‌آبی‌شان رفع شده و مدتی خوشحال هم بوده‌اند. با این حال گاهی این ساخته شدن سد به قیمت از دست رفتن روستاها، باغ‌ها، زمین‌های کشاورزی، جنگل‌های طبیعی،

محروم‌اند، به عنوان مثال در برخی از مناطق سیستان و بلوچستان، یا قسمت‌های جنوبی مخصوصاً در جاهای دورافتاده و دهات، آب قابل شرب ندارند و یا آبی که مورد نیاز برای کشت و زرع است کافی نیست. اگر آب مورد نیاز یک زارع را تامین نکنند، او سال آینده در گرسنگی خواهد ماند.

مردم نیاز را احساس می‌کنند اما یک خلأی وجود دارد: مردم نمی‌دانند چه کسی مسوول رسیدگی به مساله است! ما می‌بینیم و بارها دیده شده که بین ساکنین دو منطقه یا دو روستا به خاطر



گفت‌وگو

محیط زیست و میراث فرهنگی منطقه تمام شده، از جمله سد کارون-۳. بسیاری از مردم آن منطقه، از جمله اهالی ۶۳ روستا که به زیر آب رفته، مجبور به ترک خانه و کاشانه و زمین آبا و اجدادی خود شده‌اند، بسیاری حاشیه نشین شدند و پولی که دولت به آنها داد نیازهای‌شان را تامین نکرد. به نظر شما، این مردم و کسانی که حقوق اقتصادی و اجتماعی‌شان نقض شده به کجا می‌توانند شکایت خود را عرضه کنند و طالب دفاع از حقوق‌شان بشوند؟

شیرین عبادی: قبلا از ضعف سازمان‌های بین‌المللی به خاطر قدرت دولت‌ها در سیستم قانون‌گذاری کمی صحبت کردم. این دخالت، در حقیقت موجب شده که این سازمان و قوانینی که در سطح بین‌المللی تدوین می‌شود نتوانند به رسالت خودشان عمل کنند. اول به این سوال جواب بدهم که آیا عملی که در گذشته انجام شده شامل مرور زمان می‌شود یا خیر؟ یعنی ۲۰ سال قبل خانه من را گرفته‌اند و من تبدیل به یک آدم بی‌خانمان شده‌ام. این مربوط به ۲۰ سال قبل است لیکن این روند هنوز ادامه دارد.

این جزو حقوقی است که مشمول مرور زمان نمی‌شود و از طریق ساز و کارهایی که برای نقض حقوق بشر پیش آمده، باید پیگیری شود. همان‌طور که گفتم، برای این ساز و کارها پیچ و خم‌های بسیاری گذاشته شده و خیلی هم نمی‌توان مردم را امیدوار کرد [او به آنان گفت] که عریضه‌ای به شورای حقوق بشر بدهید که با تاسیس این سد ۵ هزار خانوار از زندگی ساقط و بی‌خانمان شده‌اند، فوراً بیایند و رسیدگی کنند، اما رسیدگی به این مساله در چارچوب مقررات نقض حقوق بشر باید پیش برود.

حقوق ما – در ایران، در سال‌های اخیر به درستی موارد زیادی از نقض حقوق بشر جدی گرفته شده، اما وقتی با گروهی از وكلا و فعالان حقوق بشر که حرف می‌زنم، یا با کسانی که برای بازپس‌گیری حقوق مردم تلاش کرده‌اند، راجع به بحث آب کمتر صحبت شده، و تاکید می‌کنند که باید درباره این موضوع بیشتر حرف زد و مطرحش کرد تا میزان شناخت افزایش یابد. به نظر شما، رسانه‌ها و فعالان چه کارهای بیشتری باید انجام بدهند که توجه به این مساله بیشتر شود؟ **به عنوان مثال، در پایان سال ۹۸ دادگاهی در شیراز احکام متهمان مرتبط با پرونده سیل نوروز ۱۳۹۸ را صادر کرد.** احکام در حوزه مرتبط با آب و سیلاب بسیار جدید محسوب می‌شوند، اما هنوز عده‌ای با تردید به این مساله [پیگیری حقوق مردم در حوزه آب] نگاه می‌کنند. به نظر شما چه کاری باید انجام شود تا به این تردیدها پایان

دهیم؟

شیرین عبادی: این رسالت مهم بر عهده رسانه‌ها است، زیرا هر چند موضوع ماهیت حقوقی دارد و حقوق‌دانان باید صحبت کنند، اما صحبت یک حقوق‌دان باید از طریق رسانه به گوش مردم برسد و در حالتی که حکومت وظیفه خودش را انجام نمی‌دهد، در حقیقت این رسانه‌ها هستند که باید سکویی باشند برای حقوق‌دانان و متخصصین مربوط به این زمینه که به مردم آگاهی بدهند. قبلاً هم اشاره کردم، متأسفانه فعالیت سازمان‌های مردم نهاد محدود و زیر سیطره و نگاه حکومت است، بنابراین نمی‌شود در این زمینه زیاد فعالیت کرد. یعنی اینکه شما نمی‌توانید از حکومت اجازه فعالیت برای سازمانی بگیرید که مردم را تشویق به گرفتن حق‌شان از طریق شکایت می‌کند. طبیعتاً اجازه نمی‌دهند. همه ما ایرانی هستیم و می‌دانیم چه شرایطی در ایران [حاکم] است. بنابراین برای آگاهی رساندن وظیفه اصلی بر دوش رسانه است.

حقوق ما – آیا فعالان حقوق بشر که امکان صحبت با رسانه‌ها را دارند وظیفه بیشتری دارند؟

شیرین عبادی: بله! در حقیقت کم‌کاری از ناحیه حقوقدان‌ها هم دیده شده. بدون اینکه قصد حمایت صنفی داشته باشم، باید بگویم که مشکلات ایران آن‌چنان حاد و ریشه‌ای شده که اکثر حقوق‌دانانی که اهل تحقیق و مطالعه و یا اهل صحبت با رسانه‌ها هستند درگیر مسائل روزمره حقوق هستند و آن بر می‌گردد به حقوق مدنی و سیاسی. روزی روزنامه‌ها را می‌بندد، همه توجه به آن سو است. روز دیگر فعالین مدنی را در یک زمینه دستگیر می‌کنند، همه توجه‌ها به آن سمت می‌رود. روز دیگر مساله اعتصابات کارگری و حقوق سندیکایی مطرح می‌شود، همه توجه‌ها به آن سمت خواهد بود. متأسفانه در کشور بحران زده ایران حقوق‌دانان مانند سایر اصناف درگیر مسائل روزمره شده‌اند.

حقوق ما – بیشترین تبعیض در حوزه آب معمولا متوجه اقلیت‌ها است، برای این گروه از مردم که حقوق‌شان نقض شده چه می‌توان کرد؟

شیرین عبادی: مهم‌ترین مساله، آگاه کردن و توان‌مندسازی خود مردم است. اصولاً وقتی حرف از اقلیت‌ها می‌شود، باید بگویم که تبعیض زیادی در مورد اقلیت‌های ایران هست. به عنوان مثال می‌دانیم که در ایران اقلیت‌های مذهبی زیادی داریم از جمله زرتشتی‌ها، مسیحی‌ها، مندایی‌ها، ... اینها در ایران زندگی می‌کنند، اما آیا شما از بی‌حقوقی ایزدی‌ها در ایران چیزی شنیده بودید؟ آیا می‌دانستید که این‌ها هیچ‌گونه حقوقی ندارند؟ مردم ایران خیلی

۱۳ آوریل ۲۰۲۰/ فروردین ۱۳۹۹ حقوق ما

کمتر در مورد ایزدی‌ها شنیده‌اند. چرا؟ چون خودشان هم حرف نزده‌اند و اطلاع رسانی نکرده‌اند و از حقوق خودشان دفاع نکرده‌اند. اما بهایی‌ها این شهامت را دارند و آگاهی را دارند که اطلاع‌رسانی کنند و بگویند که ما به خاطر مذهب تحت تبعیض هستیم که کاملاً هم درست است، بنابراین جامعه نسبت به مذهب بهایی حساسیت نشان می‌دهد اما نسبت به ایزدی‌ها چنین نیست. برای این حساسیت لازم ایجاد بشود، باید ایزیدی‌ها را آموزش داد و به آنها گفت که شما که سکوت می‌کنید و اطلاع رسانی نمی‌کنید از وضعیت خودتان، مردم ایران هم چیزی نخواهند دانست. در نتیجه، در پی حمایت از شما هم نیستند.

عین همین داستان در مورد سایر اقلیت‌ها وجود دارد. به عنوان مثال چون من اکثر شهرهای ایران را رفته‌ام و می‌دانم که مردم در سیستان و بلوچستان در بدترین شرایط هستند.

اگر بخواهیم تبعیض را بر اساس مناطق و یا قومیت در نظر بگیریم، بیشتر از همه مردم این منطقه تحت تبعیض هستند. اما اطلاع رسانی کمی می‌کنند. در حالتی که در مقایسه می‌بینیم که کردها اطلاع‌رسانی بیشتری می‌کنند. بنابراین اگر قرار است کمکی شود، در درجه اول باید به اقلیت‌هایی که ساکت هستند، آموزش داد و آنها را متوجه این نکته بدیهی کرد که برای رفع تبعیض، باید با صدای بلند همگان را خبر کنید و بگویید چه بر سر شما آمده، تا بتوانید حمایت ملی و دست‌جمعی مردم ایران را کسب کنید. دگرگونی می‌تواند به نفع اقلیت‌ها اتفاق بیافتد. بنابراین مساله مهم آموزش و اطلاع‌رسانی و توان‌مندسازی اقلیت‌هایی است که حقوق شان مورد تبعیض قرار گرفته و این چنین به حاشیه رانده شده‌اند.

حقوق ما – برای حاشیه‌نشینان چه می‌توان کرد؟ به عنوان مثال حاشیه‌نشینان زیادی در محدوده تهران زندگی می‌کنند که کسی صدای‌شان را نمی‌شنود.

شیرین عبادی: در همین شهر تهران حاشیه‌نشین‌هایی هست که فاصله کمی از بهترین نقاط شهر دارند. من متأسفانه به جبر زمان و بهتر بگویم به جبر سیاست اعمالی در ایران، بیش از ۱۰ سال است که از وطنم دورم، الان را نمی‌دانم. اما مثلاً در یوسف آباد که منطقه خوبی هم بود با قیمت زمین بالا، مناطقی آلونک‌نشین داشت که مردم با حلبی و حصیر خانه ساخته بودند؛ درست در دو کیلومتری گران‌ترین برج آن منطقه!

حاشیه‌نشین، آدمی است که دستش از مال دنیا هم کوتاه است. او آدم فقیری است که می‌تواند در مرکز شهر هم باشد. این توهم ایجاد نشود که حاشیه‌نشین حتماً دور از شهرهای بزرگ زندگی می‌کند. اینها آدم‌هایی هستند که از حقوق اولیه خودشان محروم‌اند، و چون

گفت‌وگو

حرف نمی‌زنند و اطلاع رسانی نمی‌کنند، شاید کسانی که در آن برج‌ها سکونت می‌کردند، شاید عده کمی از آلونک‌نشینان در همان نزدیکی خبر داشتند. چرا؟ چون اینها همیشه خودشان را مخفی می‌کردند.

من حرفم این است که باید صحبت کرد، باید شهامت داشت و مشکلات را بیان کرد. تا مشکلات بیان نشود و عنوان نشود، علاجی هم برایش پیدا نخواهد شد. تا وقتی حرف نزنند، علت پافشاری من روی توان‌مندسازی واطلاع‌رسانی همین مساله است.

حقوق ما – به سراغ بحثی برویم که خود شما در موردشان سال‌های سال کار کرده‌اید، یعنی حقوق کودک و حقوق زنان. وقتی با دبیرکل پیشین سازمان ملل، بان کی مون که آب در زمان ریاست او به عنوان یکی از حقوق بشر به رسمیت شناخته شد حرف می‌زدم، گفت که توجه عمده او به وضعیت زنان هم بوده، زنانی که برای به دست آوردن اندکی آب مجبورند مسافتی طولانی راه بروند و سطل آب سنگین را حمل کنند. همین الان در مناطق مختلف سیستان و بلوچستان زنان و کودکانی مجبورند برای به‌دست آوردن آب سراغ هوتک‌ها و چاله‌هایی بروند که دام هم از آنها استفاده می‌کنند. زنان ایرانی را چگونه می‌توان در ارتباط با حقوق آب توان‌مند کرد؟

شیرین عبادی: من وقتی که راجع به توان‌مندسازی حرف می‌زنم، تمام جامعه مد نظرم است و توان‌مندسازی برخی از افراد جامعه به خاطر سنت‌های محلی ممکن است سخت‌تر هم باشد. به عنوان مثال، در برخی از شهرهای دور افتاده سنت‌هایی هست که زیاد علاقه ندارند زنان به دانشگاه بروند، و یا اصولاً کتاب خواندن در ایران کمتر اتفاق می‌افتد و یا رفتن به موسسات یا گردهمایی‌های مدنی برای مردان راحت‌تر است تا برای زنان. به شیوه‌های مختلف باید زنان را آگاه کرد که راجع‌به این مشکلات صحبت کنید. این مشکلات در زمینه آب بر زنان بیشتر سنگینی می‌کند تا مردان. این زنان هستند که مسوولیت تهیه غذا و بزرگ کردن فرزندان را در خانه بر عهده دارند. خودتان گفتید، زن برای تهیه آن مجبور است فرسنگ‌ها راه برود چون همسرش مجبور است برای تامین پولی که نیاز دارند به سر کار برود. او در خانه نیست، پس آب را چه کسی باید بیاورد؟

وقتی صحبت از مشکل می‌کنیم، مشکل برای همه هست، زن و مرد ندارد! وقتی صحبت از توان‌مندسازی می‌کنم، توان‌مندسازی برای همه هست، زن و مرد ندارد.

حق دسترسی بشر به آب در گفت‌وگو با محمد مقیمی

محمد مقیمی از جمله وکیلانی است که حقوق بشر و محیط زیست را جدی می‌گیرد. مجله حقوق ما درباره رابطه آب و حقوق انسان‌ها گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما – آقای مقیمی! جایگاه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زندگی روزمره مردم چیست؟

محمد مقیمی: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به نسل دوم حقوق بشر موسوم است. طیف وسیعی از حق‌های بشری را دربر می‌گیرد. از جمله حق‌هایی از فقر، حق غذا، مسکن، آموزش، حداقل وسایل و امکانات زندگی، حق کار، حق تجمعات، حق تشکیل سندیکا، حق سلامت، حق تامین اجتماعی و غیره. در زندگی مدرن امروز حتی برخورداری از اینترنت مناسب نیز جزء حداقل وسایل و امکانات زندگی محسوب می‌شود. بنابراین، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دامنه بسیار گسترده‌ای دارد. به نوعی می‌توان گفت؛ حق حیات انسان را شامل می‌شود. چه اینکه همه موارد یاد شده به شکلی با حیات انسان در ارتباط هستند و هر یک از آن حق‌ها به خوبی تامین نشود، حیات انسان را با خطر جدی مواجه می‌کند.

حقوق ما – ارتباط حقوق بشر و حقوق آب و بهداشت را چگونه ارزیابی می‌کنید. آیا در کشور ما آموزش لازم در این ارتباط داده شده؟ آیا آگاهی عمومی به سطح قابل قبولی رسیده؟

محمد مقیمی: آب عنصری ضروری برای زندگی است. توسعه اجتماعی و اقتصادی یک‌سره به آب گره خورده است. حقوق بشر



حق دسترسی بشر به آب از دهه ۱۹۷۰ در دستور کار جامعه جهانی بود اما بین اعلام آب به عنوان نیاز اساسی بشر و یا مثابه حقی از حقوق بشر تردید وجود داشت

و منابع آب از جمله مهم‌ترین مسائل مورد توجه جامعه جهانی در سال‌های اخیر بوده است. بسیاری از کنفرانس‌ها و مجامع برگزار شده و قطع‌نامه و اعلامیه‌هایی از جانب آن‌ها به تصویب رسید. حق دسترسی بشر به آب از دهه ۱۹۷۰ در دستور کار جامعه جهانی بوده است. اما همواره بین اعلام آب به عنوان نیاز اساسی بشر و یا مثابه حقی از حقوق بشر تردید وجود داشت. امروزه حقی تحت عنوان حق دسترسی بشر به آب در چارچوب حقوق بین‌الملل وجود دارد و این حق در اسناد بین‌المللی به طور صریح و ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است. نظریه شماره ۱۵، آشکارترین و صریح‌ترین مورد شناسایی حق دسترسی بشر به آب در حقوق بین‌الملل است.

اما در عین حال، حق بر آب با نسل‌های مختلف بشری در ارتباط است. حق بر آب با بسیاری دیگر از حقوق بشر از جمله حق سلامت، حق غذا، حق تعیین سرنوشت، حق بر آموزش، حق بر کار از جمله کشاورزی، حق بر بهداشت، حق بر محیط زیست، حق بر صلح، حق بر توسعه و... ارتباط دارد و در صورتی که حق بر آب با چالش مواجه شود این حقوق نیز در اجرا با چالش اساسی روبرو خواهند شد و میزان تحقق آن در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت.

هر چند در نظام حقوقی ایران هیچ مقرر صریحی درخصوص حق بر آب آشامیدنی سالم وجود ندارد اما از عموم مواد مندرج در قوانین مختلف می‌توان نتیجه گرفت که دولت موظف به تأمین آب آشامیدنی و حفظ سلامت آب است.

حقوق ما – در ایران نقض حقوق بشر در بسیاری از حوزه‌ها جدی گرفته شده، اما توجه کمتری به حقوق آنها در زمینه دستیابی به آب سالم و کافی شده. چرا؟

محمد مقیمی: به‌طور کلی حقوق بشر در ایران با چالش اساسی مواجه است. حق بر آب در ایران را باید در حق محیط زیست سالم مورد بررسی قرار داد. متأسفانه حکومت‌های توتالیتر و غیردموکراتیک نسبت به تامین حق محیط زیست سالم نیز خوب عمل نمی‌کنند. چه این که پاسخ‌گو نیستند و به‌خاطر اعمال‌شان مورد نقد و پاسخ‌گویی قرار نمی‌گیرند. اصولی مانند پاسخ‌گویی، مسوولیت‌پذیری و شفافیت که از اصول حکم‌رانی مطلوب هستند، حکومت‌های توتالیتر از جمله ایران از هیچ جایگاهی برخوردار نیستند.

حقوق ما – به نظر شما، چرا حقوق زنان در قبال آب کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؟

محمد مقیمی: جامعه ما هنوز یک جامعه مردسالار است که حقوق زنان با چالش جدی در آن روبه‌رو است. تبعاً در این

خصوص نیز زنان و دیگر اقشار ضعیف بیشتر مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

حقوق ما – به نظر شما، و با توجه به شناختی که از ساز و کار حقوقی در ایران دارید، شهروندان چگونه می‌توانند از حقوق آبی نقض شده خود دفاع کنند؟ به عنوان مثال اگر سدی بدون موافقت مردم یک منطقه ساخته شود، و ساخته شدن آن هم عده‌ای را بی‌خانمان و بیکار کند و مجبور به مهاجرت شوند، حتی اگر دولت هزینه زمین خانه آنها را بپردازد، چگونه باید تقاضای دادرسی کنند؟

محمد مقیمی: تصمیم اشتباه و غیرقانونی اگر از طرف نهادهای دولتی باشد، مردم می‌توانند به دیوان عدالت اداری شکایت کنند؛ مثلاً علیه وزارت نیرو بخاطر تصمیم اشتباه در ساخت یک سد. البته با توجه به اینکه دادگستری ما مستقل نیست، نتیجه مطلوب نخواهد بود، ولی خود شکایت باعث می‌شود افکار عمومی به عنوان یکی از ضمانت اجرای متوجه مساله بشود. و اگر دولتی نباشد و مثلاً مربوط به یک پیمان‌کار باشد، می‌توانند به دادگاه عمومی شکایت کنند.

حقوق ما – آیا برای پاسخگو کردن موثر دستگاه‌های مجری و مسوول در حوزه آب و بهداشت، باید مردم راساً اقدام کنند یا گروه‌ها و تشکل‌ها به هم پیوندند؟

محمد مقیمی: هر دو؛ در ایران تشکل‌ها و جامعه تحت فشار زیادی هستند. ولی قطعاً نهادهای مردمی می‌توانند تاثیرگذاری زیادی داشته باشند.

حقوق ما – با توجه به ضعف ساختارهای نظارتی از جمله سازمان حفاظت محیط زیست که تبدیل به دستگاه صادر کننده مجوز شده، و هیچ نهادی هم توان ایستادن مقابل پیمان‌کاران و مجریان بزرگ را ندارد، چه تغییری باید در ساختار قدرت برای دفاع از حقوق شهروندان ایجاد شود؟

محمد مقیمی: همان‌طور که گفتم، حکومت‌های توتالیتر نسبت تامین حقوق بشر و بطور خاص حق بر محیط زیست سالم و حق آب بی‌توجه هستند. در واقع برای تامین حق محیط زیست سالم ما به دموکراسی نیاز داریم. اصولی مانند پاسخ‌گویی، مسوولیت‌پذیری، شفافیت، دادگستری مستقل (برای برخورد با متخلفان زیست محیطی)، مطبوعات آزاد که به ارتقای حق محیط زیست سالم کمک می‌کند، در یک حکومت دموکراتیک رعایت می‌شود.

نقض حقوق بشر به بهانه ایجاد زندگی

نگاهی به تاثیر نابودی منابع آب بر حقوق بشر ایرانیان

نیک آهنگ کوثر - روزنامه‌نگار حوزه آب و

زمین‌شناس

در ماه فوریه، مجله نشنال جیوگرافیک در پایتخت آمریکا میزبان دبیرکل پیشین سازمان ملل بود. بان کی مون در سالن اجتماعات در جلسه انجمن روزنامه‌نگار زیست محیطی در باره روزگار اقلیمی فعلی سخن می‌گفت. یکی از مصوبات مهم دوران دبیرکلی او، به رسمیت شناخته شدن دسترسی به آب به عنوان یکی از حقوق بشر بود. از او درباره وظیفه ما روزنامه‌نگاران در قبال از بین رفتن این حق بشری به وسیله دولت‌ها و شرکت‌ها پرسیدم.

بان کی مون ضمن تاکید بر اهمیت گزارش‌گری در مورد آب گفت: "آب یک حق بشری است. بدون آب نمی‌توانی زنده بمانی و این خیلی مهم است. اگر سیر و سیاحت کنی می‌بینی که در بسیاری از نقاط جهان، مردم دسترسی به آب شرب سالم ندارند... هنوز در حدود ۷۰۰ میلیون نفر دچار کمبود آب شرب هستند. اگر به آفریقا بروید، زنانی را با یک سطل کوچک می‌بینید و کیلومترها برای رسیدن به آب راه می‌روند. آب همیشه در دسترس نیست و وجودش تضمین شده نیست. دل آدم با دیدن این وضعیت می‌شکند، و سازمان ملل و دولت‌ها تلاش کردند با انتقال آب از طریق کامیون‌ها آب را تامین

کنند که این کار بسیار محدود بود. تامین آب سالم برای نوشیدن هدف شماره ۵ توسعه پایدار است. آب نجات‌بخش زندگی است... آب زندگی است، آب یک حق بشری است و باید جنبه حقوق بشری‌اش باید مورد توجه قرار بگیرد."

در دهه‌های اخیر و بعد از بررسی زوایای مختلف میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهایتاً در ۱۳۸۹ آب در کنار بهداشت به عنوان یک بشری وارد متون رسمی شد. تا پیش از آن، داشتن غذا و پوشاک و سرپناه به عنوان نیازهای اساسی یک زندگی استاندارد شناخته می‌شدند اما کمتر کسی است که نداند بدون در اختیار داشتن آب کافی و سالم امکان تولید هیچ غذایی وجود ندارد.

برای کشاورزان ایرانی که نان قوت لایموت مردم را تامین کرده‌اند، از دست رفتن آب به معنی پایان زندگی است. بسیاری از کشاورزان و دهقانان به همراه خانواده‌های‌شان در ده سال گذشته از خانه و کاشانه خود به خاطر کمبود آب مهاجرت کرده‌اند. میزان حاشیه‌نشینی بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی دولت، در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ از دوازده میلیون به نزدیکی بیست میلیون نفر رسیده است.

بسیاری از این حاشیه‌نشینان، آب سالم و کافی برای یک زندگی با کرامت انسانی ندارند.

اگر دولت ایران به عنوان امضا کننده میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عامل از دست رفتن منابع آب و یا کوتاهی کننده در تامین آب شهروندانش باشد، مسوولیتی مضاعف دارد. بر اساس آنچه در سال‌های اخیر بر سر منابع آب ایران آمده و همچنین وضعیت آبی نقاط مختلفی در کشور، به نظر می‌رسد حق بشری آب به شکلی سازمان یافته در ایران نقض شده باشد و بر اساس روند موجود، شمار قربانیان این نقض روز به روز بیشتر خواهند بود.

از کجا به اینجا رسیده‌ایم؟

در طی چهار دهه اخیر، اصرار حکومت به خودکفایی کشاورزی بدون در نظر گرفتن وضعیت منابع آب و همچنین میزان مصرف آب برای تولید محصولات کشاورزی نیاز به آب را افزایش داده است. بارندگی سالانه در چارچوب مرزهای ایران چیزی در حدود ۴۰۰ میلیارد متر مکعب است. از این میزان، چیزی نزدیک به ۳۰۰ میلیارد متر مکعب در اثر تبخیر



و یا خروج از مرزها از دسترس خارج و حجم باقی مانده، منابع آب تجدیدپذیر کشور را شامل می‌شود. قسمتی در رودخانه‌ها روان است و بخشی سهم سفره‌های آب زیرزمینی خواهد بود. وقتی برف کوه‌ها آب می‌شود و حجم بزرگی از بارش در کوه‌ها و کوه‌پایه‌ها در دامنه‌ها وارد آبرفت‌های درشت دانه می‌شود. کسری از این آب می‌تواند رودخانه‌ها و منابع سطحی را نیز تغذیه کند. اما رودخانه‌ها هم آبخوان‌های پایین‌دست را تغذیه می‌کردند و هر گونه تغییر در آب‌دهی رودخانه می‌توانست وضعیت آبخوان‌های مناطق دورتر را تحت تاثیر قرار دهد.

ایرانیان باستان از طریق مدیریت منابع آب زیرزمینی به وسیله فن‌آوری کاریز یا قنات، توانسته بودند به نحوی پایدار آب را از آبرفت‌های درشت‌دانه کوه‌پایه‌ها به دشت‌ها بکشانند و در محل خروج آب و سربرآوردن نهر، روستاها و شهرها را در کنار کشت‌زارها بنا کنند. آبی که از آبخوان (سفره آب زیرزمینی) استخراج می‌شد، به آبی که سفره را تغذیه می‌کرد وابسته بود. مدیران آب سنتی می‌دانستند که با مهار سیلاب و یا آب شدن برف و جذب آن، سفره آب زیرزمینی مجدداً احیا می‌شد. میزان برداشت آب از قنات به میزان تغذیه سفره آب زیرزمینی وابسته بود. همین مساله باعث می‌شد کشاورزان نتوانند از حدی بیشتر آب پای زمین‌های‌شان ببرند، مگر با کند و کاو بیشتر و عمیق‌تر کردن قنات و تشکیلاتش که آن هم به معنی تغییر محل مظهر قنات بود و خرج‌هایی بسیار سنگین، تازه اگر امکانش بر اساس ساختار آبرفت‌های منطقه و شرایط زمین‌شناختی و زمین-آب‌شناسی (هیدروژئولوژیک) وجود می‌داشت. از همین رو، میرآب وظیفه‌اش تقسیم آب بر اساس توافق بود تا سهام‌داران حق‌آبه‌شان را دریافت کنند و نان قوت مردمان را تامین.

بعد از جنگ جهانی دوم و کمک دولت آمریکا از طریق **اصل چهار ترومن**، کشاورزان ایرانی با پدیده چاه عمیق و موتورپمپ آشنا شدند که به معنای امکان برداشت بیشتر آب از عمق آبخوان‌ها بود. کشاورزانی که اندک اندک از زیر سایه مالکان بزرگ خارج می‌شدند با مجوز و یا بدون آن، آب را از دل زمین برای کشت بیشتر و دست‌یابی به ثروت بیشتر بیرون می‌کشیدند. تا سال ۱۳۵۷ نزدیک به ۸۰ هزار چاه در ایران حفر شد و برداشت آب زیرزمینی باعث شد تعدادی از قنات‌ها کم آب یا خشک شوند. کاهش میزان آب زیرزمینی در آبخوان‌ها با نشست زمین همراه می‌شد و مقام‌های سازمان

برنامه و بودجه از دهه ۱۳۴۰ تعداد اندکی از دشت‌های کشور را ممنوعه اعلام کردند تا آبخوان‌های‌شان مجدداً به وضعیتی تعادلی برگردد.

بعد از انقلاب، با اصرار حاکمان جدید از یک سو و آغاز تحریم‌های جمهوری اسلامی از سوی دیگر، دولت از کشاورزان محصولی بیشتر طلب کرد. تولید بیشتر نیازمند آب بیشتر بود. در دوران سازندگی، سیاست کلی دولت در حوزه آب، سرمایه‌گذاری روی ایجاد منابع بزرگ آب سطحی بود. ساخت

افزایش نداده بودند به مشکل کمتری برخوردند. اما زارغانی که سدهای بالادست جریان آب به زمین‌های‌شان را کاسته بود، دچار مشکل شدند.

ساخت سدهای بزرگ چند منظوره باعث شد دشت‌های زیادی اندک اندک از آب خالی‌تر شوند. کشاورزان نیازمند آب، دست به دامن فن‌آوری حفر چاه و موتورپمپ‌های وارداتی شدند. بسیاری از چاه‌های جدید، بدون مجوز حفر شدند و برداشت از چاه‌های مجاز هم گاه بیش از حد میزان تغذیه بود، و همین دلیل، آبخوان‌های بسیاری ورشکسته شدند و نشست زمین دشت‌های زیادی را به کام مرگ تدریجی فرستاد و دولت چاره‌ای نداشت جز ممنوعه کردن این دشت‌ها. اگر در سال ۱۳۴۷، از میان ۶۰۹ دشت کشور تنها ۱۵ دشت ممنوعه اعلام و برداشت آب از آنها ممنوع شد، در سال ۱۳۹۵ این رقم به ۳۵۵ رسید، یعنی بیش از نیمی از دشت‌های کشور.

با آنکه دولت و کارشناسان آب در نهادهای مختلف با مفهوم آب مجازی و ردپای آب آشنا شده بودند و می‌دانستند برای کشت برخی از محصولات، نیاز به مصرف آب بیشتری بود، اما بر اساس سیاست کلان جمهوری اسلامی برای خودکفایی غذایی آن هم به هر قیمتی، میزان مصرف آب با توجه به ازدیاد جمعیت کشور افزایش یافت. به خاطر تولید فزاینده غلات و گوشت و لبنیات، ذخایر آب زیرزمینی ۸۵٪ کاهش یافت. این یعنی کاهش سهم هر ایرانی از منابع آب تجدیدپذیر...

دستکاری‌های دولت در طبیعت، تعداد زیادی از چشمه‌هایی را از بین برد که مردمان مناطق کوهستانی و کوه‌پایه‌ها را هزاران سال سیراب کرده بود.

برداشت آب زیرزمینی برای کشاورزی، آبخوان‌ها را فقیر و فقیرتر کرد و هم قنات‌ها را به مرگ محکوم کرد. نشست زمین، آبخوان‌ها را تدریجاً کشت و کشاورزان و صاحبان حرفه‌های مرتبط را از کار و زندگی انداخت. به این ترتیب، سیاست و مدیریت منابع آب نه تنها طبیعت را قربانی کرده بود که حق آبی مردمان مناطق مختلف فلات ایران را از آنها دریغ داشت. اگر در ابتدای قرن حاضر با جمعیتی محدودتر، از کل منابع آب تجدیدپذیر به هر ایرانی چیزی حدود ۱۳ هزار متر مکعب آب می‌رسید، امروز سهم هر ایرانی چیزی در حدود یک هزار مترمکعب است که بخش زیادی سهم تولید غذا شده است، و توزیع باقی مانده‌اش هم بنا به شواهد، عادلانه نبوده است. عدم توزیع بدون تبعیض، نقض حقوق بشر است.

سدهای جدید در اولویت قرار گرفت، اما این منابع جدید نمی‌توانستند آب لازم را برای بسیاری از مناطق دوردست را تامین کنند. بخش زیادی از آب انتقالی به اراضی کشاورزی هم در طول مسیر و به واسطه تبخیر و خرابی راه‌آب‌ها و عوامل دیگر هدر می‌رفت. اما ساخت سدها نیز مانع جریان طبیعی رودخانه‌ها به پایین دست و تغذیه آبخوان‌ها شد. تا وقتی تعادلی میان آب دریافتی از باران و رودخانه و آب برداشتی از چاه‌ها وجود داشت، کشاورزانی که سطح کشت را



«میثاق» و دفاع از حقوق آب مردم در زمانه ارباب



حقوق ما – سه سال بعد از تصویب میثاق در مجلس، شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ بودیم و البته قوانین مرتبط با محیط زیست هم از جمله اصل ۵۰ قانون اساسی این مساله لحاظ شد [و منافاتی هم نداشت] قوانین دیگری از جمله قانون توزیع عادلانه آب با میثاق هم‌خوان بود. اما در عمل دیدیم که بسیاری از مسائل موجود در قانون رعایت نشدند و حقوق گروه‌اجتماعی مختلف نادیده گرفته شد. از سال ۲۰۱۰ که آب و بهداشت بر پایه همین میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزو حقوق بشر به حساب آمدند، این سوال به ذهن می‌آید که اگر ایران به میثاق متعهد باشد، اما حقوق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مردم را در حوزه آب نقض کرده باشد، چه راه‌کارهایی برای احقاق حقوق مردم می‌توانید معرفی کنید؟

لادن برومند: این میثاق، یک میثاق حقوق بشری است و جزو قوانین حقوق بشری بین‌المللی است که ایران متعهد به آن شده است، همان کاری که در ارتباط با حقوق مدنی و سیاسی می‌شود کرد، یعنی فرستادن و تدوین گزارش در مورد نقض این حقوق از طرف حکومت و یا از طرف قدرت غیرحکومتی و ارسال این گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل. یعنی همان کاری که بقیه سازمان‌های حقوق بشری مثل ما [بنیاد عبدالرحمن برومند] در مورد حقوق مدنی و سیاسی می‌کنیم، یک گروهی می‌تواند متعهد شود که این گزارش‌ها را تدوین و به سازمان ملل ارسال کند و سازمان ملل و یا گزارشگران ویژه حقوق اقتصادی و اجتماعی در این رابطه اظهار نظر کنند و راه‌کار برای دولت تعیین و پیشنهاد کنند.

قرار گرفت، و مهلت دولت‌ها برای امضا و پیوستن به این میثاق هم ۱۰ سال بود و میثاق‌ها را به تصویب پارلمان‌ها برسانند. میثاق‌های بین‌المللی بعد از تصویب به وسیله پارلمان‌ها، نسبت به قوانین ملی ارجحیت پیدا می‌کنند، و قانون‌گذار و قوه مجریه موظف هستند که هیچ کاری که خلاف میثاق باشد را انجام ندهند و قانونی را که با میثاق منافات دارد نگذرانند. در سال ۱۹۷۶، هر دو میثاق لازم‌الاجرا شدند. به عبارتی وجود یک میثاق، شرط اجرایی آن یکی نبود و هر دو میثاق بر یک پایه و به صورت مساوی به امضای دولت‌ها رسید و طرفین میثاق‌ها متعهد به پیگیری و محافظت از آنها شدند. به عبارت دیگر و در ارتباط با سوال شما، این شرط از اول وجود نداشت.

تفاوت عمده این است که «حقوق مدنی و سیاسی» را حقوق منفی می‌گویند، یعنی کارهایی که شما حکومت را از انجامش منع می‌کنید، در صورتی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی «راه‌هایی هستند که شما دولت را به انجام‌شان تشویق می‌کنید. به عبارت دیگر، فراهم آوردن شرایط پیدایش و بهره‌مند شدن مردم کشور از حقوقی که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طرح شده‌اند.

حقوق ما – ایران از سال ۱۳۵۴ که میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مجلس شورای ملی تصویب شد، متعهد شده که مجری این میثاق باشد و قوانینش بر همان اساس تنظیم شود...

لادن برومند: صد در صد! این یعنی اینکه ایران متعهد شده شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی لازم‌را برای بهره‌مند شدن مردم و شهروندان کشور از حقوق طرح شده در میثاق فراهم کند.

و بعد به تصویب دولت‌ها برسد و ضمانت اجرایی پیدا کند. اما موقع تدوین یک میثاق یگانه، اختلاف نظر وجود داشت، چرا که از یک طرف کمونیست‌ها بودند که معتقد بودند «حقوق مدنی-سیاسی» حقوق «صوری» است، و حقوق واقعی و حقیقی، «حقوق اجتماعی و اقتصادی» هستند. از یک طرف هم دولت‌های غربی و پیمان آتلانتیک بودند که می‌گفتند حقوق سیاسی و مدنی ارجحیت دارند و با «حقوق اجتماعی و اقتصادی» یکی نیستند و شرایط دیگری لازم دارند. اینها نتوانستند به نتیجه مشترکی برسند و میثاق یگانه‌ای را تدوین کنند. به همین دلیل مجمع عمومی مأموریت داد که دو میثاق، یکی «حقوق مدنی و سیاسی» و یکی هم «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» را تدوین کنند. این دو میثاق در واقع مثل فرزندان دوقلوی اعلامیه جهانی حقوق بشر بودند که تدوین شدند و در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ این دو به عنوان دو بخش تفکیک‌ناپذیر حقوق انسانی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیدند. بعد از تصویب، این میثاق‌ها را باید به امضای دولت‌هایی که به میثاق‌ها می‌پیوستند می‌رسانند، آن هم به شکلی داوطلبانه و متعهد می‌شدند که از این حقوق محافظت کنند و برای رشدشان کوشش کنند. در روز سوم ژانویه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به امضای دولت‌ها گذاشته شد و در ۲۳ مارس هم میثاق حقوقی سیاسی و مدنی برای امضا در اختیار دولت‌ها

نیک‌آهنگ کوثر: بنیاد عبدالرحمن برومند یکی از فعال‌ترین نهادهای ناظر بر وضعیت حقوق بشر ایران، در ایالات متحده است. از سال ۱۳۸۰ که این بنیاد به‌وسیله دکتر لادن برومند و خواهرش، دکتر رویا برومند تأسیس شد، بسیاری از پژوهش‌ها و گزارش‌های این مجموعه به عنوان مرجع نهادهای رسمی مورد استفاده قرار گرفته است و به شهادت‌های این مجموعه استناد می‌شود.

دو سال پیش و در حاشیه نهمین مجمع جهانی دموکراسی که در سنگال برگزار می‌شد، با لادن برومند درباره آن‌چه بر سر شهروندان مناطق کم‌آب ایران می‌آید گپ زدم، و حس کردم که باید این بحث را در چارچوبی کامل‌تر ادامه داد. همین مساله، بهانه‌ای شد که باب گفت و گو را باز کنم، گفت و گویی که در زیر می‌خوانید:

حقوق ما – از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر تا اجرایی شدنش به هنگام تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمان نسبتاً زیادی طی شد. چرا؟

لادن برومند: اصل این صحبت را باید تصحیح کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان اعلامیه مادر در ۱۹۴۸ تصویب شد. در سال ۱۹۵۰ مجمع عمومی سازمان ملل به کمیسیون حقوق بشر مأموریت داد که یک میثاق بنویسد که در واقع تمام حقوقی که از دل این اعلامیه بیرون می‌آید مشخص شود

لادن برومند: بستگی دارد در باره چه سیستمی داریم صحبت می‌کنیم؟ یک وقتی یک دولت قوی و دموکراتیک و پاسخ‌گو دارید که در بطن خود تصمیمات را کنترل می‌کنند و بعد در کنار آنها، جامعه مدنی هم می‌تواند نهادهای خودش را ایجاد کند. بستگی دارد درباره چه شرایطی صحبت می‌کنید؟ در مورد الان است و یا آینده بعد از جمهوری اسلامی. اگر حکومتی دموکراتیک باشد خود این حکومت‌ها مکانیسم‌هایی برای کنترل دارند، برای اینکه فساد در برنامه‌ریزی وجود نداشته باشد، و از طرف جامعه هم مکانیسم‌هایی برای کنترل وجود دارد. یک مجموعه‌ای از مکانیسم‌های کنترل و تصمیم‌گیری کار می‌کنند تا تصمیمی گرفته شود که به نفع جامعه باشد.

حقوق ما - در همین چارچوب، اگر بخواهیم برای حکومت آینده ایران "پیش‌اندیشی" کنیم، آیا با شناختی که شما از گروه‌های اپوزیسیون دارید، آیا می‌توان با آنها وارد گفتگو شد تا توجه بیشتری به حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم بکنند، به ویژه با توجه به بحث آب؟

لادن برومند: صد در صد! این آگاه‌سازی به نظر من حیاتی است. جلب توجه و آماده کردن برنامه و تا حد زیادی شناختن مسائل، برای پیش‌برد کار در آینده خیلی مثبت است. خود ما در بنیاد عبدالرحمن برومند بر همین اساس و در رابطه با رفرم و اصلاح نظام قضایی ایران و حقوق متهم، و قوه قضائیه سالم و مستقل... به کار مستند سازی و مشخص کردن عیوب این نظام می‌پردازیم تا برای اصلاح در آینده مفید باشد... کار ما تنها برای این نیست که به نظام بگوییم: "تو بدی!" برای این است که تجربه بیان‌دوزیم و تجارب گذشته را برای آینده آماده کنیم، برای اصلاح مشکلات و عیوب.

حقوق ما - آیا فکر می‌کنید گروه‌های مدافع حقوق بشر که برای دفاع از حقوق مدنی و سیاسی مردم ایران تلاش کرده‌اند، به ویژه گروه‌های خارج از کشور، می‌توانند چارچوبی برای اجرای یک کار مشترک در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان‌دیشند و به آگاهی‌بخشی عمومی کمک کنند؟ لادن برومند: اگر پروژه خوبی باشد، من بعید می‌دانم که سازمان‌های حقوق بشری ایرانی و حتی داخل کشور که جزو سازمان‌های فعال در سطح جهانی هستند، از چنین طرحی استقبال نکنند.



ابعاد سیاسی مثل جامعه امام علی، هر بار که سعی می‌کنند کاری جدی انجام بدهند، برای‌شان مشکل ایجاد می‌شود و گرفتارشان می‌کنند. به همین دلیل، من بعید می‌دانم با این سیستم بتوان یک سری مکانیسم‌های اجتماعی را فعال کرد که مانع از ایجاد آسیب‌هایی بشوند که معلول "بد-حکومتی" در ایران است.

حقوق ما - حالا با توجه به تجربه ما از نوع مدیریت حکومت در ۴۱ سال گذشته، برای آینده ایران آیا ساختارهایی که روی بحث آب و محیط زیست نظارت داشته باشند، باید از بخش اجرایی مستقل و جدا باشند که بدون تضاد منافع کارشان را پیش ببرند یا نه، باید بخشی از ساختار باشند؟

حقوق ما - حقوق‌دانان توجه کمتری به حقوق ایرانیان در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کرده‌اند، جایی که دولت در موارد متعددی ناقض حقوق مردم بوده. بسیاری به خاطر سیاست‌های دولت، بی‌خانمان و یا مجبور به مهاجرت از خانه و کاشانه‌شان شدند، و در نتیجه، خانواده‌های زیادی از هم پاشیده... این روند هم کماکان ادامه دارد. به نظر شما، برای جلب توجه حقوق‌دانان به این موارد، چه کاری باید انجام بگیرد؟

لادن برومند: کاری که خود شما دارید می‌کنید، و شرط اول این پیشرفت در این آگاه‌سازی فعالان و حقوق‌دانان در مورد عواقب سیاست‌گذاری‌های غلط دراز-مدت به‌وسیله مسوولان کشور است و این آگاه‌سازی از طریق تحقیق و گزارش در مورد ابعاد صدمات وارد شده، شناسایی قربانیان... هر چقدر این موارد مشخص‌تر باشد، طبیعتاً برای افکار عمومی ملموس‌تر هم خواهد شد و زمینه‌ای است که بتوان درباره‌اش کار کرد. این حقوق مربوط به مسائلی تخصصی هستند و ابعاد تخصصی‌شان هم فرق می‌کند با مسائل حقوقی که حقوق منفی افراد را در بر می‌گیرد که خیلی مشخص‌تر و ساده‌تر و محدودتر هستند، و باید [افراد با] کارشناسی‌های مختلف با هم کار کنند و افکار عمومی را آگاه کنند.

حقوق ما - با توجه به شناختی که از ساز و کار حقوقی در ایران دارید، به نظر شما خود شهروندان چگونه می‌توانند برای احقاق حقوق خودشان تلاش کنند، و یا چگونه مانع اجرای فعالیت‌هایی بشوند که حقوق آیندگان را نقض خواهد کرد؟

لادن برومند: اینجا هم بستگی به آگاهی شهروندان از حقوق و منافع‌شان از محیط زیست دارد. همین‌طور در مورد سیاست مدیریت آب در کشور و یا در ارتباط با آلودگی هوا. به نظر من شهروندان خیلی قدرت دارند، اما به این خاطر که حکومت ارعاب می‌کند، آنها هم مرعوب‌اند.

ولی این به همان اندازه در رابطه با مسائل سیاسی و مدنی صدق می‌کند که در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی! به عنوان مثال در مورد حقوق کارگران و یا مسائل بیمه اجتماعی و یا امنیت در شرایط کار، همه جزئی از حقوق اقتصادی و اجتماعی کارگران هستند، و مساله آب به حق حیات مربوط می‌شود.

ما هر بار که در مورد یک زندانی سیاسی و یا یک اعدامی که نتیجه دادرسی است که در آن حقوق متهم نقض شده کار می‌کنیم، تمام جزئیات پرونده را در می‌آوریم و شهادت

جمع‌آوری و مستدل می‌کنیم و روند وقایع را هم مشخص می‌کنیم که چه اتفاقاتی افتاده و بر همین اساس گزارش را تهیه می‌کنیم. عین همین گزارش را کارشناسان حوزه‌های مرتبط با آب یا منابع طبیعی و یا کارگران باید به همین روش تهیه کنند.

حقوق ما - آیا اینجا گروه‌های مردمی باید راساً اقدام کنند و یا از طریق نهادسازی و همکاری با گروه‌های غیردولتی نزد حقوق‌دانان بروند و کار را پیش ببرند، آن هم با توجه به محدودیت‌ها و حساسیت‌های حکومت نسبت به نهادهای مستقل غیردولتی؟ لادن برومند: راستش می‌توانند سعی کنند، اما فکر می‌کنم جلوی‌شان را خواهند گرفت. ببینید! یک سازمان خیریه فاقد

مستندسازی نقض حق دسترسی به آب

شاهین صادق‌زاده میلانی، مدیر اجرایی مرکز اسناد حقوق بشر ایران است. مجله حقوق ما از او درباره امکان مستندسازی نقض حق دسترسی به آب پرسیده است.

آقای میلانی! شما در حوزه مستندسازی نقض حقوق بشر تجربه زیادی دارید. بیشتر سازمان‌ها و نهادهای ثبت‌کننده عملکرد نادرست دولت‌ها و یا نهادهای ناقض حقوق بشر به حقوق زندانیان و اقلیت‌ها توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند، با این همه مستندسازی مسائل مربوط به آب و بهداشت کمتر مورد توجه فعالان و کارشناسان حقوق بشر بوده است. برای توجه بیشتر به این دو وجه حقوق بشر، چه می‌توان کرد؟

در مورد حق دسترسی به آب در ابتدا باید در نظر داشت که سازوکارهای حقوق بشری مشخصاً در مورد انسان‌ها هستند. «طبیعت» و «محیط زیست» دارای حق نیستند. بنابراین هر گونه مستندسازی نقض حق دسترسی به آب باید به تاثیری که یک اقدام یا عدم اقدام از سوی حکومت مستقیماً بر دسترسی انسان‌ها به آب می‌گذارد توجه کند. از



این لحاظ دسترسی به آب آشامیدنی در اولویت قرار می‌گیرد. مستندسازی نقض حق دسترسی به آب می‌تواند در ابتدا وضعیت پیشین و میزان دسترسی شهروندان به آب قبل از اتخاذ سیاست مورد نظر را توصیف کند و سپس وضعیت حال حاضر را مورد مطالعه قرار دهد.

به عنوان مثال اگر بتوان نشان داد که شهروندان ساکن یک روستا قبل از حفر چاه‌های غیرقانونی به آب آشامیدنی دسترسی داشتند ولی پس از حفر چاه‌های غیرقانونی دسترسی آنها به آب آشامیدنی کمتر و یا قطع شده است، قدم اول در مستندسازی برداشته شده است.

قدم دوم این است که نشان داده شود که علت کاهش یا قطع دسترسی شهروندان به آب آشامیدنی حفر چاه‌های غیرقانونی بوده است و نه عوامل بیرونی نظیر تغییرات اقلیمی یا خشکسالی. نشان دادن اینکه تعدادی از شهروندان به آب دسترسی ندارند به تنهایی کافی نیست. فرایند مستندسازی باید نشان دهد که مسئولان حکومت چه نقشی در اجرای سیاستی که موجب کم‌آبی یا بی‌آبی شده است داشته‌اند. فعالان محیط زیست و حوزه آب تلاش زیادی کرده‌اند تا مردم با فشارهای نهادهای امنیتی و نظامی بر معترضان

به پروژه‌های مخرب محیط زیست آشنا شوند، با این حال، هیچگاه نتوانسته‌اند این مجموعه‌ها را پاسخگو کنند. این فعالان مدعی هستند که بر پایه اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، از قانون دفاع کرده‌اند تا مانع تخریب محیط زیست به وسیله دولت و حکومت شوند، با این حال در عمل پروژه‌های مخرب اجرا می‌شوند و حقوق بسیاری از مردم و همچنین محیط زیست نقض می‌شود. آیا مستندسازی این نقض می‌تواند کمکی به وضعیت امروز و فردای مردم، فعالان و محیط زیست بکند؟

در صورتی که علت اصلی کم‌آبی یا بی‌آبی عوامل طبیعی بوده است باید نشان داده شود که مسئولان حکومت برای رفع مشکل آب چه اقداماتی کرده‌اند. در ابتدا باید نشان داده شود که مسئولان حکومتی چگونه و در چه زمانی از کمبود آب مطلع شده‌اند. سپس واکنش آنها به کمبود آب باید بررسی شود. مثلاً باید بررسی شود که آیا هیچ برنامه‌ای برای فراهم آوردن آب برای شهروندان اجرا طرح ریزی شده یا خیر. در صورتی که برنامه‌ای طرح‌ریزی شده باشد باید بررسی کرد که آیا این برنامه اجرا شده یا نه.

خبر اولیه ساخت سدهای جدید در چهارمحال و بختیاری و خوزستان با استقبال زیادی همراه بود، چه مردمان مناطق بر این اندیشه بودند که مشکلات آبی آنها پایان خواهد یافت. وقتی وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه و پیمان‌کاران و مشاوران و استاندار و همه راضی بودند. بودجه زیادی میان این گروه‌ها تقسیم می‌شد. سد کارون ۳ یک نمونه مهم از سدهایی است که دولت و شرکایش هیجان زیادی برای ساختنش داشتند. یکی از دست‌اندرکاران طراحی و ساخت سدهای کارون برایم تعریف کرد که دولت حتی چند واحد نیروگاه اضافه (۳ واحد از ۸ واحد) در این سد ساخت و برخی توجیه می‌کردند که اگر این پول اضافه را در این سد خرج نکنند، پول جای دیگری هدر خواهد رفت.

در ساخت سد کارون ۳، کارشناسان توجیه کننده به ارزش برق تولیدی توجه زیادی داشتند اما آثار اجتماعی ساخت سد با دقت مورد ارزیابی قرار نگرفت. با آگیری کارون ۳ در دهه ۸۰، بیشتر از ۶۰ روستا زیر آب رفت. با آنکه دولت مدعی است که خسارت مادی بی‌خانمان شدن بیش از دوازده هزار نفر را پرداخته، اما روند طبیعی زندگی روستاییان کشاورز و باغدار و دامدار که زمین‌ها و مراتع و باغ‌های‌شان از دست رفت، نابود شد. یکی از ساکنان سابق روستای "سه چارک" می‌گوید که خانه و زمینش زیر آب رفت: "مجبور شدیم. چاره نداشتیم. همه زندگی‌مان را دادیم و ۱۰ میلیون تومان گرفتیم." او و خانواده‌اش مجبور شدند زندگی جدیدی را در شهرستان ایذه آغاز کنند، با کمک محدود مالی دولت و کارگری هم نتوانست با شرایط جدید کنار بیاید. دولت با نحوه مدیریت آب خود، زندگی او و بیش از دوازده هزار نفر را تحت تاثیر قرار داده بود. به عبارت دیگر، برنامه‌های دوران سازندگی به بهانه رشد و توسعه و بهبود وضع زندگی شهروندان، با نقض حقوق بشر اهالی منطقه ساخت سد کارون ۳ همراه شده بود.

نقض حقوق مردمان منطقه فقط به اهالی روستاهای غرق شده محدود نشد. رفت و آمد از روستاهایی که در دو طرف سد قرار داشتند هم مختل شده بود. دولت از زمان آگیری سد در ۱۳۸۳ موظف بود راه‌هایی پایدار و کم خطر برای رفت و آمد مردمانی که ده‌ها از طریق پل‌ها و جاده‌هایی که زیر آب رفته بودند [فراهم کند](#). به اهالی گفته شده بود که جاده‌ها و پل‌ها تنها یک سال بعد از آگیری ساخته خواهند شد. این اتفاق نیفتاد. در سال ۱۳۹۲ یک قایق یدکش که مینی‌بوس حامل دوازده زن و کودک در سد کارون ۳ [غرق شد](#). مرگ مسافران در دریاچه سد، این واقعیت را به رخ مسوولان و حامیان طرح‌های توسعه دولت کشید که مدیریت آب جمهوری اسلامی هم با آوارگی هزاران نفر و هم با مرگ اهالی منطقه همراه شده است. نبود ساختاری پاسخگو، باعث شد که خانواده قربانیان، تا سال‌ها قربانی سکوت دولت و دستگاه‌های

محمدرضا شاه بر روی رودخانه دز آغاز شد. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، دولت ایران از کارشناسان خارجی خواسته بود مکان‌های مختلفی که امکان ساخت سد در آنها وجود داشت را بررسی کنند. زمین‌شناسان و مهندسان بعد از نقشه‌برداری‌ها و پژوهش‌های طولانی و تحقیق در مورد وضعیت زمین‌شناختی و آب‌شناختی حوضه‌های مختلف از جمله کارون، تعدادی از نقاط را برای احداث سد پیشنهاد کردند. سازه آبی بزرگ بعدی در جنوب، سد "رضاشاه کبیر" بود که در سال ۱۳۵۵ ساخته شد. روند سدسازی بعد از انقلاب و به واسطه شرایط جنگی در خوزستان اندکی کند شد. اما با پایان جنگ، وضعیت عوض شد. آنچه امروز آن‌را "سدسازی بی‌رویه" می‌خوانند، نماد رشد و توسعه دوران سازندگی شد و افتخار هاشمی، قیچی کردن روبان افتتاحیه سدهای کامل شده و حتی نیمه‌تمام بود. همین علاقه رئیس دولت سازندگی، مدیران را به تکاپو انداخت. مسوولان وزارت نیرو و شرکت‌های وابسته، گزارش‌ها و تحقیقات جانمایی سدها در سال‌های پیش از انقلاب را بازبینی کردند و به دنبال نقاط جدیدی برای احداث سد بودند. در حوضه کارون، سد رضاشاه کبیر سابق، "شهید عباسپور" فعلی با احداث چهار سد جدید از تنهایی درمی‌آمد.



کمیود منابع آب اگر به واسطه سیاست‌های عمرانی و اجرایی دولت‌های عضو سازمان ملل متحد باشد، می‌توان آنها را پاسخگو کرد. اما وقتی طرح‌های عمرانی تامین آب به بهانه توسعه و سازندگی، باعث بی‌خانمانی، فقر و بیکاری شده باشد، شاید بتوان مسوولیت بیشتری در چارچوب تعهدات آن دولت طلبید. مدیریت نابسامان حوضه‌های آبریز را بر اساس آثاری که بر زندگی مردم گذاشته‌اند می‌توان از منظر حقوق بشری و بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بررسی کرد.

حوضه آبریز، مساحتی از خشکی را شامل می‌شود که روان‌آب‌های ناشی از بارش برف و باران نقاط مرتفع تا پست در آن منطقه بعد از پیوستن به هم، کم‌ارتفاع‌ترین نقطه که می‌تواند دریاچه یا دریا یا تالاب باشد برسد. وقتی برف و باران در بخشی از کوه‌های زاگرس در محدوده‌های بختیاری می‌بارد، بخش بزرگی از روان‌آب کارون شکل می‌گیرد؛ رودخانه‌ای که با اتصال رودهای دیگر در گذر از خوزستان بزرگ‌تر شده، نهایتاً به خلیج فارس می‌ریزد.

در یک قرن اخیر، تلاش برای بهره‌برداری بیشتر جلگه خوزستان، حکمرانان به فکر مدیریت منابع آب به شکلی جدیدتر افتادند: سدسازی. توجیه مهم هم این بود که ساخت سدهای بزرگ ضمن تامین آب برای پروژه‌های کشاورزی، با تولید برق نیازهای شهروندان و صنایع را تامین خواهد کرد. بعد از بازدید پادشاه ایران از سد هوور در نزدیکی لاس وگاس آمریکا که در زمان خود یکی از بزرگ‌ترین نمادهای توسعه جهان محسوب می‌شد، ساخت سد

مسوول باشند. افت استاندارد زندگی مردم یک منطقه به قیمت تامین برق مناطقی دیگر، نقض میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود.

این وسط اما، حق محیط زیست هم نقض شد، چرا که محیط زیست رودخانه‌ای محکوم به غرق شدن در دریاچه سد شد. درختان جنگل که شاید به آب باران راضی بودند، با غرق شدن در دریاچه سد بی‌جان شدند. حیات وحش منطقه شدیداً آسیب دید. ساخت سد گتوند نمونه‌ای دیگر است. قرارگیری یک توده بزرگ نمکی سازند زمین‌شناسی گچساران از دهه ۴۰ شمسی یک هشدار بزرگ بود. معنی و مفهوم دیده شدن یک توده عظیم نمک این است که سد نمی‌بایستی در جایی ساخته می‌شد. **اما دولت‌های هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد** به هشدارهای معدود کارشناسان مستقل توجه نکردند و هم سد در جایی ساخته شد که نباید و نشاید.

بعد از آب‌گیری، بخش قابل توجهی از حجم آب سد به خاطر انحلال نمک در آب، شور شد، آن‌هم شورتر از آب دریا. مدیران سد مجبور شدند برای بقای آب شور که سنگین‌تر هم هست در عمق، میزان خروجی سد را هم با احتیاط تنظیم کنند. همین تنظیم، جریان طبیعی رودخانه را تحت تاثیر قرار داد.

"گچساران" از سازندهای "تبخیری" دوران سوم زمین‌شناسی زاگرس است که بخش‌های مختلفی دارد، و بخش نمک‌دار آن در جاهای مختلف باعث شوری کم و زیاد آب کارون اما به شکل طبیعی شده، اما دست‌کاری در طبیعت به‌وسیله مدیران جمهوری اسلامی، این شوری را افزایش داد.

دستکاری دیگر، تخلیه زه‌کش‌های کشت و صنعت نیشکر به کارون است که بر شوری آب رودخانه افزوده است. ورود فاضلاب‌های خام آثاری منفی روی محیط زیست خوزستان گذاشته است. چند سال پیش مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب خوزستان در این باره گفت که پساب خام تصفیه نشده استان، معادل نیاز کل صنعت استان به آب است. به گفته او: "حدود ۳۰۰ میلیون متر مکعب در سال فاضلاب خام وارد محیط آبی و پیکره‌های آبی استان می‌کنیم." شوری فزاینده آب کارون، نخلستان‌های بسیاری را خشکانده است و نگرانی فزاینده‌ای برای مالکان و سهام‌داران و کشاورزان ایجاد کرده.

همه این اتفاق‌ها از سال ۲۰۱۰ که سازمان ملل دسترسی به آب و بهداشت را "حقوق بشر" خواند، نقض توافقی جهانی از سوی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

این سوال پیش می‌آید که آیا دولت می‌توانست تلاش کند مانع شورتر شدن آب کارون شود؟ امروزه فن‌آوری‌های متعددی برای پاک‌سازی پساب و آب شور وجود دارد. با این حال، بنا به گفته مسوولان استان، "از ۶۳ شهری که در خوزستان زیر نظر شرکت

آبفا خوزستان هستند، فقط ۱۶ شهر ردیف اجرایی طرح‌های فاضلاب را دارند."

دست‌کاری در طبیعت و ساخت سدهای متعدد و تغییر آب‌دهی رودخانه اما اثر دیگری هم داشت. پایین آمدن سطح کارون و فراهم شدن امکان پیشروی آب دریا در مناطق نزدیک خلیج فارس. این امر می‌تواند باعث شوری نسبی سفره‌های آب زیرزمینی شود. شوری بسیاری از آبخوان‌ها اما قابل پیشگیری است؛ آن‌هم از طریق شیرین کردن آب شور و تزریق درون آبخوان و ایجاد یک دیوار آب شیرین درون آبرفت‌ها. در بسیاری از مناطق ساحلی، مدیران آب می‌دانند که با حفظ تعادل آبخوان باید مانع شور شدن آب‌های زیرزمینی شد.

اگر **شهروند آبادانی** یا **خرمشهری** می‌بیند که هم‌وطن تهرانی‌اش از آب سالم بهره‌مند است، مطابق میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مصوبه سال ۱۳۸۹، دسترسی به آب سالم و کافی و بدون تبعیض را حق خود می‌داند، اما وقتی به شور شدن آب اعتراض می‌کند، **سرکوب** می‌شود. شوری آب در انتهای دهه ۷۰ نیز با اعتراض گروهی از مردم آبادان روبه‌رو شد و سه نفر جان باختند.

دست‌کاری در بالادست حوضه کارون چیزی جز فقر و سختی و آواره‌گی برای بسیاری از شهروندان مناطق پایین دست به بار نیاورده است.

دستکاری درحوضه رودخانه جراحی از جمله ساخت سد مارون وضعیت کشاورزان منطقه را تحت تاثیر قرار داده است. **به گفته محققان**، "بسیاری از درختان نخل نابود و تولید خرما به شدت کاهش یافته و موجب بیکاری بسیاری از مردم شده است. در شهرستان‌های ماهشهر و رامشیر نیز وضعیت تفاوت زیادی با شادگان نداشته و تاثیرات منفی در تولید محصولات زراعی و اقتصاد داشته است."

بر اساس آنچه در بسیاری از مناطق منطقه خاورمیانه و شمال و شرق آفریقا مشاهده شده، کمبود آب ناشی از مدیریت نابسامان به بیکاری و مهاجرت منتهی شده و می‌تواند محرکی برای بروز اعتراض‌های محلی باشد. این اعتراض‌ها معمولاً با واکنش خشونت‌آمیز دولت‌ها سرکوب شده‌اند.

از این رو می‌توان سرکوب اعتراض‌های مردم ماهشهر به افزایش قیمت سوخت در پاییز ۱۳۹۸ را با توجه به گسترش فقر و بیکاری و سخت‌تر شدن شرایط کشاورزان و دارندگان مشاغل مرتبط، بررسی کرد.

در حوضه‌ای دیگر، تاثیر منفی ساخت سد کرخه روی تالاب هورالهویزه و تبدیل آن به یک منبع بزرگ گرد و خاک، ضمن آسیب رساندن به محیط زیست، سلامت هموطنان خوزستانی را به خطر انداخته است.

آبفا خوزستان هستند، فقط ۱۶ شهر ردیف اجرایی طرح‌های فاضلاب را دارند."

دست‌کاری در طبیعت و ساخت سدهای متعدد و تغییر آب‌دهی رودخانه اما اثر دیگری هم داشت. پایین آمدن سطح کارون و فراهم شدن امکان پیشروی آب دریا در مناطق نزدیک خلیج فارس. این امر می‌تواند باعث شوری نسبی سفره‌های آب زیرزمینی شود. شوری بسیاری از آبخوان‌ها اما قابل پیشگیری است؛ آن‌هم از طریق شیرین کردن آب شور و تزریق درون آبخوان و ایجاد یک دیوار آب شیرین درون آبرفت‌ها. در بسیاری از مناطق ساحلی، مدیران آب می‌دانند که با حفظ تعادل آبخوان باید مانع شور شدن آب‌های زیرزمینی شد.

وقتی در حوزه آب حرف از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌زنیم، خیلی زود به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی ماجرا می‌پردازیم و وجه فرهنگی‌اش را نادیده می‌گیریم. بسیاری از سدهایی که از دوران سازندگی ساخته شده‌اند، میراث فرهنگی سرزمین را زیر آب برده‌اند. با این حال، هستند فعالانی که جنبه فرهنگی را جدی گرفتند و هزینه هم داده‌اند. سد سیوند یکی از سازه‌های بزرگی است که ساخت و آب‌گیری‌اش با اعتراض گسترده فعالان فرهنگی مواجه شد. احداث سد در دوران سازندگی آغاز شد، در دوران اصلاحات ساخت و ساز آن ادامه یافت و آب‌گیری آن نیز به هنگام حضور محمود احمدی‌نژاد در ساختمان ریاست جمهوری انجام گرفت. یکی از معترضان شاخص، مهندس کورش زعیم است که کارهای او و همراهانش در هنگامه آب‌گیری سد، موجب رشد آگاهی مردم ایران درباره وضعیت نگران کننده آثار باستانی ایران بود.

حقوق ما – آقای مهندس زعیم! سپاس بسیار که در این گفت‌وگو شرکت می‌کنید. ما به روزگاری رسیده‌ایم که ورودی و خروجی سد سیوند به صفر نزدیک شده است. بعد از ساخت و قبل از آب‌گیری، شما و گروهی از فعالان به اطلاع رسانی در مورد آثار مخرب این سد پرداختید. علت این حرکت شما چه بود؟

کورش زعیم: اعتراض به ساخت سد سیوند، نخست توسط کمیته نجات پاسارگاد که با همت بانو شکوه میرزادگی در

گفت‌وگو با کورش زعیم

سد سیوند؛ سدی که میراث فرهنگی را غرق کرد

امریکا تشکیل شده بود آغاز شد. بانو میرزادگی نخست از شادروان دکتر پرویز ورجاوند که تخصصش در میراث فرهنگی و تاریخی و هم در این زمینه هم بسیار فعال بود درخواست کرد که در اعتراض به ساخت سد سیوند مشارکت کند. دکتر ورجاوند برای بررسی فیزیکی جریان ساخت سد سیوند من را درگیر کرد و برای بررسی حقوقی امکان جلوگیری از آن دکتر محمدعلی دادخواه را. در آن زمان دکتر دادخواه که خود به مسایل میراث فرهنگی بسیار علاقمند بود نسبت به ساخت ساختمانی چهار اشکوبه در تخلف استانداردهای سازمان یونسکو جلوی میدان نقش جهان اقدام حقوقی کرده بود. دکتر ورجاوند من و دکتر محمدعلی دادخواه را برای همکاری به بانو میرزادگی معرفی کرد.

فکر میکنم سال ۴۸۳۱ (۵۰۰۲) که بحث آب‌گیری سد سیوند در حال ساخت بود مطرح شده بود، من که نسبت به تاریخ کهن ایران و کورش بزرگ از نوجوانی بسیار حساس بودم، مقاله‌ای در انتقاد از برنامه آب‌گیری نوشتم که در تارنمای کمیته نجات پاسارگاد منتشر شد. همان سال یا سال بعد بود که با آغاز گفتگو و اعتراضات نسبت به آب‌گیری سد سیوند که نیم ساز شده بود، ایشان از دکتر پرویز ورجاوند، دکتر محمدعلی دادخواه و من خواستند که عضو بشویم و تلاش کنیم از ساخت سد سیوند که گمان می‌رفت پاسارگاد و آرامگاه کورش را زیر آب ببرد جلوگیری شود.

دکتر ورجاوند که خود در امور میراث فرهنگی تخصص داشت و فعال بود، بررسی پروژه را به من محول کرد. من که از تصور اینکه چنین جنایت فرهنگی در شرف رخ دادن است بسیار

تحریک شده بودم بی‌درنگ به پژوهش درباره ساختمان سد که تا آن زمان انجام شده و در حال تکمیل بود و پیامدهای آن پرداختم. آنچه دریافتیم بسیار وحشتناک بود و باید خبررسانی می‌کردیم تا بلکه از فاجعه‌ای جبران ناپذیر جلوگیری شود. نگرانی نخستین ما از زیر آب رفتن محوطه پاسارگاد و آرامگاه کورش بزرگ بود که اگر ما اقدام نمی‌کردیم شاید این فاجعه‌ای بسیار بزرگ‌تر رخ می‌داد. سد با بلندای ۷۵ متر در حال اتمام بود و ما باید بی‌درنگ اقدام می‌کردیم وگرنه شاید آرامگاه کورش ۰۱ تا ۴۱ متر زیر آب می‌رفت.

حقوق ما – داستان این پروژه و چرایی تصمیم به ساخت چنین سدی و انگیزه و هدف آن چه بود؟

کورش زعیم: پروژه سد سیوند نخست در ۱۳۴۹ مطرح شده بود و شرکت مهندسان مشاور “جاستین و کورتنی” پیمان مطالعاتی آن را داشتند. شرکت آمریکایی احداث سد در سیوند را نادرست و غیر ضروری و آسیب‌زا تشخیص داده بود. در سال ۱۳۷۱، دوباره پروژه سد سیوند مطرح شد و شرکت “مهندسان مشاور سکو” برای بازنگری و بررسی دوباره پروژه طرف پیمان قرار گرفتند. همزمان عملیات اجرایی تونل‌های انحرافی به‌وسیله شرکت سابیر (وابسته به وزارت نیرو) آغاز شد که سه سال طول کشید.

پروژه ظاهراً به علت اختلافاتی که در وزارت نیرو رخ داده بود متوقف یا کُند شد. در سال ۱۳۸۳، پروژه این بار از سوی جهاد کشاورزی (اداره کل توسعه شبکه‌های آبیاری) به شرکت مهندسان مشاور “کنکاش عمران” واگذار شد. تکمیل ساختمان سد و لوله‌گذاری هم به شرکت پارس گرما (وابسته به وزارت دفاع) واگذار شد. هدف از ساخت سد سیوند رساندن آب رودخانه موسمی و کم‌آب پُلوار با لوله‌های بزرگ ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر قطر به دشت‌های ارسنجان بوده است! این‌که آن زمین‌ها متعلق به چه کسانی بوده‌اند، من خبر ندارم. شایع بود که این پروژه آغاز دست‌اندازی سپاه پاسداران به پروژه‌های بزرگ ملی از جمله سدسازی بوده است. سدی به بلندای ۵۷ متر که تا ۴۰ متر آبیگری شود. هزینه ساخت سد هم ۳ میلیارد تومان برآورد شده بود. وقتی ما وارد داستان شدیم، پیمان‌کاران مشغول تکمیل بلندای سد برای افتتاح به‌وسیله رییس جمهوری جدید، محمود احمدی‌نژاد، بودند که تصمیم گرفته بود سد را زود هنگام برای استفاده تبلیغاتی آب‌گیری کنند.

من از مهندس محمد اسدی، کارشناس ارشد زمین‌شناسی وزارت نیرو، کمک خواستم و ایشان پس از مطالعه تاریخ زمین‌شناسی و مدارک وزارت نیرو و بررسی محل سد به

من اطلاعاتی دادند، که مرا شگفت زده کرد، به این دلیل که مهندس مشاور اجرایی سد گزارش‌های مهندسان مشاور گذشته را مطالعه نکرده یا به آنها توجه نکرده بود. نقشه‌های جغرافیایی که از روی آنها بلنداهای سطح زمین برای طراحی سد بکار برده شده بود، همه اشتباه بودند و طراحان به‌جای به‌کار بردن نقشه‌های رسمی سازمان جغرافیایی ارتش یا سازمان نقشه‌برداری از نقشه‌های سازمان جهان‌گردی استفاده کرده بودند که بطور حرفه‌ای کشیده نشده بود.

به این ترتیب ارتفاعات استفاده شده در طراحی سد، از دیدگاه مهندسی و فنی زمین‌شناسی و زیست‌محیطی پروژه دارای اشکالات و خطاهای بسیاری بود. ما از چند زاویه به این پروژه سدسازی نگاه کردیم. یکی اینکه مکان‌یابی سد، به هیچ وجه برای سدسازی مناسب نبود: زمین [کف] دریاچه پشت سد که کف رودخانه پُلوار بود آبرفتی است و آب رودخانه پُلوار گاهی از روی زمین جریان داشت و گاهی به زیر زمین می‌رفت و چند صد متر جلوتر از زمین بیرون می‌آمد و این در درازای



دریاچه برای کیلومترها تکرار می‌شد و زمین زیر سد تا ژرفای ۲۰۰ توان نگهداری آب را نداشت. بنابراین، روی چنین زمینی سدسازی حماقت محض بود.

دوم اینکه دیواره‌های دریاچه سد، بالاتر از ده تا پانزده متر، از سنگ‌های آهکی و آبرفتی بود، بنابراین، دریاچه سد به علت نشت آب نمی‌توانست بالاتر از ده متر و برخی جاها تا پانزده متر، که بسیار پایین تر از سطح چهل متر پیش‌بینی شده در طرح بود آب‌گیری شود، که سطح آب مرده پشت سد بشمار می‌آید. بنابراین، برخلاف محاسبه مساحت ۱۶۰ کیلومتر مربع برای دریاچه، سطح آب دریاچه نمی‌توانست از ۶۰ کیلومتر مربع فراتر رود.

سوم اینکه ارتفاعاتی که برای طراحی سد از روی نقشه سازمان جهان‌گردی برداشت کرده بودند همه غلط بود. ما آنها را با نقشه‌های رسمی ارتش و نقشه‌های سازمان نقشه‌برداری مقایسه کردیم و حدود ۱۷ متر خطا در ارتفاع دیدیم!

چهارم اینکه آب جاری (دبی) رودخانه پُلوار با هیچ محاسبه‌ای

برای پر کردن دریاچه طراحی شده پشت سد کافی نبود. بنابراین، محاسبات طراحی ارتفاع سد و حجم آب دریاچه همگی اشتباه بود که ما تذکر دادیم.

پنجم اینکه انباشت آب در پشت سد و افزایش چشم‌گیر سطح آب دریاچه، یعنی همان ده متر ۶۰ کیلومتر مربع که با آفتاب تماس پیدا می‌کند، سبب بخار شدن حدود یک سوم آب دریاچه در طول سال می‌شد. یعنی به‌جای صرفه‌جویی در مصرف آب، همان آب اندکی هم که از رود پُلوار برای مصارف کشاورزی و انسانی بدست می‌آمد، کاهش می‌یافت.

یک روز ما رفتیم روی سد ایستادیم و گفتیم دیگر اجازه نمی‌دهیم سد ساخته شود. سرانجام پذیرفتند که سد را در ارتفاع ۲۷ متری متوقف کنند. بعد دیدیم که بلندای ۵۷ متر را در پایان کار فهرست کرده‌اند. پرسیدیم چرا ۵۷، گفتند ۱۷ متر هم زیر زمین است! بعدها شنیدیم که باز روی آن چند متر افزوده ساخته‌اند. در پایان کار هزینه سد که قرار بود ۳ میلیارد تومان باشد در طی سال‌ها به نزدیکی ۱۰۰ میلیارد تومان رسیده بود!

از لحاظ انگیزه، به‌جز طمع پول، ما بدگمان شده بودیم که جمهوری اسلامی که نتوانسته بود در آغاز انقلاب تخت جمشید و پاسارگاد را توسط حجت الاسلام صادق خلخالی ویران کند، اکنون قصد دارد به بهانه سدسازی پاسارگاد را در آب غرق کند. در این مدت، دکتر محمدعلی دادخواه وکیل مدافع شجاع میراث فرهنگی که تازه از مبارزه برای نجات میدان نقش جهان اصفهان از حذف ثبت در یونسکو به علت ساختمان بلندی که در برابرش ساخته شده بود فارغ شده بود، وارد میدان شد برای اقدام حقوقی برای جلوگیری از آبیگری سد سیوند. وکالتنامه ایشان را ۴۰۰۰ تن امضاء کردند!

تلاش‌های ما تا آبان ۱۳۸۶ ادامه داشت. چند روز پیش از هفتم آبان که روز ورود کورش به بابل و خواندن لوح حقوق بشر او بود، بانو میرزادگی مسوول کمیته به زنده یاد پرویز ورجاوند پیشنهاد کرد در پاسارگاد سخنرانی بکند و توجه مردم را به این میراث مهم تاریخی ایران جلب کند. دکتر ورجاوند فوری این وظیفه را به من محول کرد. من بامداد هفتم آبان در محوطه پاسارگاد حاضر شدم و با استقبال و خوش‌آمدگویی حدود ۵۰ تا ۶۰ دانشجو مواجه شدم و سخنرانی خود را با عنوان: “کورش، تو هرگز نرفته‌ای که روح تو در وجود ما بیدار است” انجام دادم و در طی این سخن‌رانی این روز را “روز ملی ایران” نام‌گذاری کردم. سخن‌رانی من چنان ساختار شکن و احساساتی بود که زود پخش شد و در دانشگاه‌ها دست بدست گشت. از آن پس جمعیت در پاسارگاد در روز هفتم آبان سال به سال افزوده شد. در دو سال بعد، ۸۷ و ۸۸، ماموران امنیتی

از سخن‌رانی من جلوگیری و تهدید به زندانم کردند.

از آن پس، سال به سال بر دیدارکنندگان پاسارگاد افزوده شد و به فاصله چند سال پاسارگاد زیارتگاه صدها هزار ایرانی جوان و میهن پرستان شد که به میلیون هم رسید و جمهوری اسلامی را وحشت زده و وادار به مسدود کردن ورودی های پاسارگاد کرد. البته من هر سال آیین روز کورش را همراه با یک پیام در خانه یا در زندان می‌گرفتم.

حقوق ما – آیا آنچه درباره‌اش هشدار داده بودید، به واقعیت پیوست؟

کورش زعیم: سد سیوند که بر روی رودخانه پلوار در منطقه سیوند بنا می‌شد نه تنها آسیب‌های فراوانی به میراث فرهنگی و تاریخ ایران زمین و بشریت وارد می‌آورد، که آسیب‌های جبران ناپذیری به محیط زیست، اکوسیستم، کشاورزی، حقوق ساکنان آن منطقه، میراث گرانبهای تاریخی تنگ چشمه (تنگه بلاغی)، پاسارگاد و آرام‌گاه کورش وارد می‌آورد. من همه این آسیب‌ها را در جرئیات مطرح کردم، و همه هم بلا استثناء رخ دادند.

ما هشدار دادیم که زمین پشت سد سیوند، از دید زمین‌شناسی، آبرفتی است و ساختار بستر تا ژرفای نزدیک به دویست متر یا بیشتر توان نگهداری آب را ندارد؛ بنابراین، سطح آب دریاچه ایجاد شده پشت سد، به علت نشت آب، هرگز نخواهد توانست به حد طراحی شده برسد. افزون بر آن، فشار ناشی از وزن آب انباشت شده دریاچه پشت سد، نشت آب را سریعتر می‌کند. به‌همین دلیل پس از آب‌اندازی سد، سفره آب زیرزمینی طوری بالا آمد که دشت پاسارگاد تا سطح زمین خیس شد.

من با این مساله در سد لار هم روبه‌رو شده بودم، هنگامی که یک پیمانکار سدساز یوگوسلاو استخدام شده بود که جلو نشت آب زیر سد را بگیرد. پس از مدتی تلاش ناموفق با پر کردن حفره زیر سد، من را به مشاوره گرفتند. من پس از بررسی تلاش آنها نتیجه گرفتم که این حفره زیر سد خود حفره‌ای بزرگتر زیر خود دارد و اگر حفره هفتاد متر مکعبی را با بتن‌ریزی پر کنند سنگینی بتون ممکن است حفره بزرگ‌تری را در زیر خود باز کند. همینطور هم شد و حفره‌ای ۷۰۰ متری نمایان شد و آنها مجبور شدند کار را متوقف کنند. من همچنین هشدار داده بودم که جریان رودخانه پُلوار برای پر کردن دریاچه سد بسنده نیست و بلندای آب دریاچه سد هرگز از ده متر بالاتر نخواهد رفت. همین‌طور هم شد. تقریباً همه آب رودخانه پلوار متعلق به مالکان حق‌آبه‌های مسیر آن است که هزاران سال است وجود داشته و به مصرف کشاورزی و انسانی می‌رسد. طراحان سد، محاسبه نکرده بودند که بخش



بود. در غرق کردن تنگ چشمه ما نمی‌دانیم که آیا و تا چه حد این آثار بی همتای تاریخی در جریان طرح دزدیده شده است. فاصله سد سیوند تا پاسارگاد، از راه تنگه بلاغی، ۱۷ کیلومتر است. هنوز ارزیابی دقیقی از میزان خسارت و خرابی‌ها نشده، زیرا اجازه نزدیک شدن به سد را نمی‌دادند.

آنچه میراث فرهنگی از تنگ بلاغی که دهانه آن ۱۸ متر بود آگاهی داشت شامل اقلام زیر بود: خمره سفالی ۱۲۰ کیلویی برای ذخیره آذوقه، دو اسکلت به همراه چیزهایی ارزشمند که فهرست نشده، یک گورستان شش هزار ساله، یک گورستان دوران هخامنشی کلان سنگی، یک حوض از سنگ گچ اندود، یک روستای هخامنشی با دیوارهای دفاعی و لوله های سفالین فاضل آب، بقایای روستای دوران ایلامی، یک محوطه باستانی ۷ هزار ساله، یک گورستان کلان سنگی دوران ساسانیان، سنگی ۵۵۰۰ ساله قهوه‌ای رنگ با نقاشی‌های افقی به اندازه اسکناس، کارگاه شراب‌سازی، کارگاه سفال‌سازی ۷۵۰۰ ساله، بیش از ۷ کیلومتر مرز سنگی دوران اشکانی و غارهای متعدد دوران پارینه سنگی. منیرو بوشناکی، معاون فرهنگی یونسکو در آن زمان گفته بود: ”صدای تنگه بلاغی را به گوش جهانیان برسانید.“ باستان شناسان برای نجات هر محوطه تنها ۳ روز فرصت داشتند.

همچنین ۸۰۰۰ اصله درخت پانصد ساله، هزاران هکتار زمین مرغوب کشاورزی، بطور کلی ۱۲۹ محوطه تاریخی میراث فرهنگی که ۳۵ عدد آن و شماری از دهکده‌های مسکونی

تاریخی در دریاچه پشت سد زیر آب رفتند. جونکو تاینگوچی، کارشناس یونسکو در ایران به روزنامه انگلیسی گاردین گفته بود، ”تاسف‌انگیز است که برای نجات این محوطه‌های تاریخی منطقه سد سیوند وقت زیادی نداریم. تا آنجایی که می‌دانیم بر اثر ساخت این سد، محوطه باستانی پاسارگاد به زیر آب خواهد رفت و ارزش میراث و محوطه‌های احتمالاً ارزشمند پیرامون آن برای همیشه در هاله‌ای از راز فرو خواهد رفت.“

کمیته نجات پاسارگاد می‌ترسید که با بلندای ۵۷ متری سد سیوند دشت پاسارگاد هم زیر آب برود و آرام‌گاه کورش را ۱۴ تا ۱۷ متر آب بگیرد. ما با فشار برای کاهش بلندای سد در واقع از این فاجعه جهانی جلوگیری کردیم، ولی پیش‌بینی می‌کردیم که با ایجاد دریاچه پشت سد و افزایش بخار آب ناشی از تابش خورشید، هوای منطقه سیوند و پاسارگاد را نمناک سازد. نم افزوده باعث افزایش رویش گیاهی در پاسارگاد می‌شود و آنهم نم هوا را چند برابر می‌کند. نم هوا روی سنگ‌های آهکی سازه‌های دشت پاسارگاد، مانند آرام‌گاه کورش، تاثیر می‌گذارد. نم هوا نه تنها خود باعث سایش سنگ‌های آهکی می‌شود، که با ایجاد و گسترش گل‌سنگ‌ها، سنگ‌های آرام‌گاه را به تدریج از میان می‌برد.

در پی آگیری سد سیوند نم هوای پیرامون آرام‌گاه کورش را که همیشه حدود ۱۵٪ بوده به ۳۰٪ رسید و خطر افزایش آن به ۵۰٪ می‌رفت. نم هوا روی سنگ‌های آهکی سازه‌های دشت پاسارگاد، مانند آرام‌گاه کورش بزرگ، تاثیر می‌گذاشت. نم هوا نه تنها خود باعث فرسایش سنگ‌های آهکی می‌شود، که با ایجاد و گسترش گلسنگ‌ها سنگ‌های آهکی را به تدریج از میان می‌برد. هم اکنون آثار این خرابی‌ها را می‌توان بر روی آرام‌گاه کورش و دیگر سازه‌های آهکی دشت پاسارگاد دید. همه این خرابی‌ها را پیش از پایان ساخت سد کارشناسانه پیش‌بینی کرده بودیم و اجتناب پذیر بود.

حقوق ما – شما وزارت نیرو و مشاوران و میراث فرهنگی را به چالش کشیدید. با چه پاسخ هایی از سوی آنها روبه‌رو شدید. آیا هیچگاه کمیته ای مستقل برای بررسی آثار سد تشکیل شد؟

کورش زعیم: من مستقیم با وزارت نیرو در تماس نبودم، ولی می‌دانم که وزارت از اقدامات ما آگاه بود و هیچ مخالفتی نشان نمی‌داد. بنابراین، شاید خود وزارت هم با این طرح مخالف بوده ولی زورشان نمی‌رسیده است. میراث فرهنگی هم در جریان گزارش‌هایی بود که من به زنده یاد دکتر ورجاوند می‌دادم و ایشان هم با رییس میراث فرهنگی آن زمان، محمد بهشتی، که شخص آگاهی بود در تماس بود.

ضمناً وزارت نیرو هم من را می‌شناخت. زیرا هم هشت سد خاکی رودخانه لوشان کار من بود که روز آزمایش و تحویل کار را روزی که سیل می‌آمد تعیین کردند و من روی یکی از سدها که جلوی سیل بود ایستادم تا مطمئن شوند خراب نمی‌شوند.

دوم اینکه در جریان ساخت سد کارون چهار، یک پیمان‌کار روسی قرار بود آن را بسازد. من در نشستی با حضور همه دست اندرکاران از جمله دست‌اندرکاران شرکت مهندس مشاور مه‌اب قدس و همچنین دکتر علی رشیدی به عنوان مشاور اقتصادی، گزارش خود را دادم و اعلام کردم که این سد نه تنها ضروری نیست که برای منطقه زیان‌بار هم خواهد بود. طرح متوقف شد، ولی چند سال بعد آن را ساختند و به حرف ما رسیدند.

حقوق ما – آیا با وجود عدم شفافیت در ساختار سدسازی در ایران، می‌توان از حقوق بشر شهروندان دفاع کرد؟ فرض کنیم سدی باعث بی خانمانی ۶۳ روستا شود و جان حیات وحش و جنگل را گرفته باشد. جای چه فرایندهایی پیش و بعد از ساخت سد خالی بوده است؟

کوروش زعیم: یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های زیست محیطی در جمهوری اسلامی که نه تنها بودجه بسیار بسیار کلانی را از اقتصاد کشور خارج و کشور را به‌سوی فقر اقتصادی، محیط زیست، کشاورزی، دام‌داری، جلوگیری از سیل و طوفان گرد و غبار و خشکی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و تالاب‌ها و جنگل‌ها و حیات وحش هدایت کرده و به‌طور کلی برای زیست انسان بسیار زیان‌بار و خطرآفرین بوده، همین سد سازی‌های بی‌دلیل برای سودجویی است. وقتی سامانه‌های نظارتی و حسابرسی و کنترل در دوران جمهوری نهم به‌کلی تعطیل شدند و مجلس‌ها هم که همه فرمایشی و مطیع بودند و جرات اظهار نظر و مخالفت یا حتی تصویب لایحه‌های ضروری را نداشتند، نسخه نابودی اقتصاد کشور نوشته شد.

آسیب همین سد سیوند را توجه کنید که تماس سطح آبی دریاچه با آفتاب سبب بخار شدن حدود یک سوم آب دریاچه در طول سال می‌شود. یعنی بجای صرفه‌جویی در مصرف آب، همین آب اندکی هم که از رود پلوار که هزاران سال است نیاز کشاورزی، انسانی، اکوسیستم و دریاچه‌های طبیعی پایین دست تامین می‌کرد کاهش یافت. کاهش آب رودخانه یا خشک شدن آن به علت سد سیوند، باعث محروم شدن دریاچه‌های یختگان در پایین دست شد. همان‌گونه که پیش‌بینی کرده بودیم، کاهش آب ورودی، به افزایش خشکی

دریاچه‌ها، آن هم با سرعتی زیاد کمک کرد، سطح نمک ته نشین افزایش یافت، نمک خشک شده با باد به زمین‌های حاصلخیز پیرامون پراکنده شد و مساحت زیادی از زمین‌های کشاورزی را به تدریج از کاربرد کشاورزی انداخت. در اثر کم‌آبی و افزایش نمک آب، پرندگان مهاجر، مانند لک‌لک‌ها و پلیکان‌های مهاجر مردند یا از آنجا مهاجرت کرده‌اند. همین سدسازی‌های غیر ضروری، زیان‌بار و بسیار گران باعث اتلاف پول، مصالح، آب رودخانه‌ها، محیط زیست و دیگر مصائبی که شرح داده‌ام شده است. مانند ده‌ها سد که روی رودخانه‌های منتهی به دریاچه ارومیه که آن‌را به سوی خشکی برد و [بخش‌های زیادی] را نمک‌زار کرد. اینکه باران بیاید و دریاچه کمی پر شود دریاچه را احیاء نمی‌کند. رودخانه‌های دریاچه باید فعال باشند. کانال‌کشی‌های انحراف آب به دیگر مناطق، [بخشی از] زاینده رود را خشک کرد. مثال‌ها بسیار زیاد است. بسیاری از سدهای ساخته شده در سی سال گذشته باید روزی تخریب یا دست‌کم دریچه‌های‌شان همیشه باز نگه داشته شوند تا از اتلاف آب و آسیب به کشاورزی و محیط زیست تا حدودی جلوگیری شود. شاید روزی بتوانیم دوباره رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و تالاب‌ها را برای جلوگیری از مرگ زیست بوم کشور برگردانیم.[اثر منفی] سدهایی مانند مدنی در تبریز، پیشین در بلوچستان، پانزده خرداد در قم، گُتوند در خوزستان، کارون چهار و غیره و غیره. همه بایدخنثی شوند. همه باعث نابودی کشاورزی در بلوچستان و فارس و خوزستان و آذربایجان و غیره شدند و رودخانه‌های حیاتی زیادی را از جمله زاینده‌رود خشکاندند، آب‌های زیرزمینی را تلف و باعث

فرونشست زمین در سراسر ایران شدند، چاه‌ها را خشکاندند و سیستم قنات کشور را نابود ساختند و باعث خشکی زمین و بادهای پخش کننده غبار شدند که بیماری‌های تنفسی را به چندین استان ما هدیه کردند و با ایجاد بادهای نمک، خاک گران‌بهای کشاورزی ما را غیرقابل کشت نمودند. همه به خاطر پول.

حقوق ما – شما بعنوان یک مهندس عمران با آثار بسیاری از سازه‌ها بر محیط زیست آشنا بوده‌اید. بخشی از آثار سدسازی در کشور منتهی به از بین رفتن حق آبه مردم، تعادل آبخوان، کشاورزی، و سرمایه های آبا و اجدادی مردم این مناطق شده است. در کشورهای پیشرفته، نسبت فایده به هزینه سد را می‌سنجند و اگر نتیجه کار مثبت بود (فایده تقسیم بر هزینه بزرگتر از یک باشد) سد را می‌سازند. با عنایت به سوابق این همه سد در ایران، و نقض احتمالی حقوق روستاییان و کشاورزان، چه تغییراتی در ساختار مدیریت آب ایران پیشنهاد می‌کنید؟

کوروش زعیم: ما ایرانیان در دوران کهن بویژه از زمان هخامنشیان پیشگام سدسازی برای کشاورزی و انتقال آب به زمین‌های بایر بوده‌ایم. بندهایی که ما می‌ساختیم معمولاً آبه ارتفاع]ده تا ۲۵متر و آبی که پشت بند جمع می‌شد برای مصرف کشاورزی و انسانی و هم برای جلوگیری از طغیان رودخانه‌ها و ایجاد شبکه‌های آبیاری بود. سدهایی در مصر و میان‌رودان، سد فرات، سد دیاله، سد اروند، بندهایی روی رود کُر، سد فیض



آباد در تخت جمشید، سدهای شوشتر، عقیلی، خدا آفرین و ماهی بازان، سدهای گرگر، دامغان، شادروان، ایزدخواست و دزفول و خداآفرید اهواز و ده‌ها بند دیگر در سراسر امپراتوری که هنوز آثار آنها هست. افزون بر آن کانال‌های بسیاری برای انحراف آب و رساندن آن به زمین‌ها و آبادی‌ها بود. در کشورهای پیشرفته به‌ویژه آمریکا حدود بیست سال است، درست زمانی که جمهوری اسلامی آغاز به ساخت سدهای بزرگ کرد، که از ساختن سدهای بزرگ دست برداشتند و حتی طرح تخریب آنها را داشته‌اند. آنها دریافته‌اند که سدهای بزرگ برای محیط زیست و اقتصاد آب بسیار زیان‌بار هستند. تجربه ما هم بسیار بسیار فاجعه‌بار بوده است. سد سازی‌ها در جمهوری اسلامی مطالعه نشده، غیر علمی و غیر ضروری و بسیار گران بوده‌اند و نتایجی به‌جز ویرانی نداشته‌اند. در دهه ۸۰، هنگامی‌که رییس جمهور وقت اجازه داد هر کس در هر کجا که خواست چاه آب حفر کند، صدها هزار چاه آب باعث پایین رفتن سفره آب‌های زیرزمینی و خشک شدن بخش عمده‌ای از چاه‌های مجاز آب و در نتیجه تعطیل شدن بسیاری زمین‌های کشاورزی و فرونشست زمین در سراسر کشور شد. در کشور ما برای دهه‌ها دانش و اندیشه و خِرَد و دوراندیشی غایب است و سود آنی هدف، حتی به هزینه ویرانی کشور.

ساختار مدیریت آب در کشورمان بد نبود. اغلب کارشناسان و مدیران صنعت آب ما مانند خود ما مردم از این هرج و مرج در رابطه با مدیریت آب رنج می‌برند زیرا هیچ اختیاری در این صنعت ندارند. نهاد خاصی تصمیم می‌گیرد و با کمک مشاوران مطیع خود می‌بُرد و می‌دوزد، همه به‌خاطر سودی که از پروژه‌ها با هزینه های غیرعادی و متورّم و عدم پاسخگویی می‌برند. آنها هیچ اعتنایی نه به نیازهای کشور دارند و نه آینده کشور و مردم برایشان اهمیت دارد. سد سیوند تنها یک نمونه از هزاران بود.

کشاورزی ما مانند تولید صنعتی ما به پایین‌ترین سطح در چهل سال گذشته سقوط کرده و میدان را برای واردات انحصاری همراه با انحصارات ارز دولتی و فروش کالاهای وارداتی بر پایه ارز آزاد هموار کرده است. در طی چند سال آینده، اگر جمهوری اسلامی خدای ناکرده دوام بیاورد همین کشاورزی بیمار ما هم مانند صنایع ما تعطیل خواهد شد. وقتی مافیاهای ”نظام مقدس“، برای مثال، پیاز را از کشاورز کیلویی ۷۰۰ تومان می‌خرند و در بازار ده برابر می‌فروشند و کشاورز معترض که توان ادامه کار با این درآمد را ندارد تهدید به بازداشت و زندان می‌کنند، امیدی به بازگشت به انسانیت نیست.

حق دسترسی به آب، یکی از انواع حقوق بشر



احسان حسین زاده

آب، مایه حیات

اهمیت آب برای تمدن بشری و تک تک انسان‌ها به اندازه‌ای واضح است که نیاز به توضیح اضافه نیست. بدون آب بقای نوع بشر در خطر خواهد بود. بحران آب، یکی از دلایل انقراض تمدن‌های بشری در طول تاریخ بوده است. آشامیدن، پختن غذا، شست و شوی لباس و ظروف و مصارف آب در کشاورزی و همینطور نقش آب در حفظ سلامت شهروندان حقیقتی غیرقابل انکار است.^۱ اما آب علاوه بر موارد ذکر شده، مصارف دیگری نیز دارد. وجود آب تقریباً برای دستیابی و تولید هر نوع از انرژی ضروری است. ما در تامین انرژی الکتریسیته، در استخراج مواد معدنی، در روند سرمادهی و پالایش و نیز در توربین‌های قدرت برای تامین انرژی به آب نیاز داریم.^۲ هرچند این مقدمه کوتاه برای اثبات ضروری بودن آب برای زندگی بشر کافی است اما درک این ضرورت، همواره با فراهم بودن آب برای انسان‌ها همراه نبوده است و جوامع زیادی با بحران آب دست به گریبان بوده و خواهند بود.

وجود دولت‌های رفاه محور در تمدن امروز بشری حق و تکلیف را بسیار پررنگ‌تر از پیش مطرح کرده است. ما وقتی از مفهوم شهروند در مقابل دولت سخن می‌گوییم، ناخودآگاه به حقوق شهروندان و تکلیف دولت‌ها اذعان می‌کنیم و با توجه به توسعه زندگی شهری، یکی از مهم‌ترین تکالیف دولت‌ها تامین آب مصرفی شهروندانشان بوده است و جز در برخی کشورهای توسعه یافته، باقی کشورهای

در حال توسعه، در تامین آن همواره با مشکل روبه‌رو بوده‌اند. برخی حکومت‌ها هم به دلیل عدم رعایت حقوق شهروندی و در اولویت نبودن حق دسترسی به آب به عنوان یکی از انواع حقوق بشر، به توسعه این حق اهمیت چندانی نمی‌دهند. بنابراین در این نوشته قصد داریم به مبانی این حق در بستر حقوق بین الملل بشر، حقوق داخلی و وضعیت آن در ایران بپردازیم.

حق دسترسی به آب در حقوق بشر بین‌الملل

تا سال‌ها هیچ سند بین‌المللی بوضوح حق بر آب را به عنوان یکی از انواع حقوق بشر موردشناسایی قرار نداده بود؛ اما در سال ۲۰۱۰ قطعنامه^۳ مجمع عمومی سازمان ملل برای اولین بار و با صراحت حق بر آب و بهداشت را مورد شناسایی قرار داد و عنوان کرد که نقش آب سالم و آشامیدنی در تامین بهداشت انسان‌ها امری غیرقابل انکار است. پیرو همین قطعنامه، سازمان ملل متحد از تمام کشورها و سازمان‌های بین‌المللی درخواست کرد تا بودجه مناسبی برای ظرفیت‌سازی و تامین تکنولوژی در جهت بهره‌مند کردن انسان‌ها از آب سالم اختصاص دهند.

اما غیر از قطعنامه فوق الذکر، اسناد بین‌المللی مهم دیگری نیز به حق بر دسترسی به آب بصورت غیر مستقیم اشاره کرده‌اند. طبق ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴: «هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تامین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود...». از دیگر نمونه‌ها

1. <https://www1.health.gov.au/internet/publications/publishing.nsf/Content/ohp-enhealth-manual-atsi-cnt-l~ohp-enhealth-manual-atsi-cnt-l-ch6~ohp-enhealth-manual-atsi-cnt-l-ch6.1>
2. https://www.un.org/waterforlifedecade/water_and_energy.shtml

3. https://www.un.org/waterforlifedecade/pdf/human_right_to_water_and_sanitation_milestones.pdf
4. <http://www.unic-ir.org/images/UniversalDeclarationHR.pdf>



می‌توان به ماده اول اساس‌نامه سازمان بهداشت جهانی^۱ اشاره کرده که تاکید می‌کند هدف اصلی این سازمان، دستیابی تمام مردم دنیا به بالاترین سطح بهداشت است که مسلماً این سطح از بهداشت شامل حق دسترسی به آب آشامیدنی نیز می‌شود. ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲ نیز این حق را بطور غیرمستقیم مورد شناسایی قرار داده و اشاره می‌کند فراهم نمودن بالاترین سطح بهداشت و سلامت جسمی و روحی را از وظایف دول متعاقد این میثاق می‌داند که شامل فراهم کردن حق دسترسی به آب نیز می‌شود. بنابراین با در نظر گرفتن مجموع اسناد فوق الذکر می‌توان گفت قطع به یقین حق دسترسی به آب یکی از مهم‌ترین انواع حقوق بشر است.

حق بر آب و ارتباطش با حقوق اساسی دیگر

در صورتی که شهروندان جامعه ای از حق بر دسترسی به آب محروم شوند و یا در بهره مدنی از این حق اساسی با مشکل و محدودیت روبرو شوند، ممکن است این محرومیت، به محرومیت از انواع دیگر حقوق بشر نیز منجر شود. در اینجا به دو حق مرتبط یعنی حق بر امنیت و حق آزادی بیان اشاره می‌کنیم.

آب و امنیت

در گذشته تعریف کلاسیک شورای امنیت سازمان ملل از بحران های امنیتی عموماً شامل بحران‌هایی نظیر جنگ، بی ثباتی و

آب و آزادی بیان

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، امروزه آب از سوی عالی‌ترین مقام امنیتی جهان یعنی شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان عامل ثبات معرفی شده است و در صورتی که حق بر دسترسی به آب در جامعه یا منطقه‌ای با اختلال روبرو شود، امنیت و صلح در آن جامعه نیز مختل خواهد شد.

همین روند بر سایر حقوق هم ممکن است تاثیرگذار باشد. برای مثال در جریان تظاهرات علیه کمبود آب در استان‌های

3. <https://ohrh.law.ox.ac.uk/including-water-security-on-the-un-security-council-agenda/>
4. <https://www.wri.org/publication/water-security-and-conflict>
5. https://www.cna.org/CNA_files/pdf/CRM-2017-U-016532-Final.pdf

سالم با اختلال در دسترس شهروندان آن مناطق قرار می‌گیرد که این مساله مشکلات اجتماعی زیادی را سبب شده است.

در همین باره سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی^۲ که در پی اعمال خشونت مقام‌های امنیتی ایران در تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم خوزستان در مورد کمبود آب در این استان برگزار کرده بودند، بر حق دسترسی مردم تمام نواحی ایران به آب آشامیدنی تاکید کرد.

اثر تحریم‌های اقتصادی

کمبود منابع آب، نبود مقررات حمایتی مناسب و بی کفایتی، تنها عوامل منفی تاثیرگذار بر کمبود آب در ایران نیست. عوامل خارجی چون تحریم اقتصادی نیز این حق را تحت تاثیر قرار داده‌اند. تحریم‌های شدید اقتصادی در سایر نقاط دنیا نیز بر زندگی مردم، علی‌الخصوص مساله آب، را تحت تاثیر قرار داده است. برای نمونه در سال ۱۹۹۹ سازمان صلیب سرخ جهانی طی گزارشی تاکید کرد که در طول ۹ سال تحریم رژیم صدام در عراق، حداقل یک میلیون نفر از دسترسی به آب محروم شدند و ۲۰۰ هزار کودک نیز دچار سوء تغذیه شدند.^۴ چنین گزارش‌هایی در مورد ایران نیز وجود دارد. بر اساس گزارش پیتز جان-داکس، مشاور انستیتو مطالعات جنگ و صلح که در ریلیفوب، وبسایت وابسته به سازمان ملل متحد منتشر شده،^۴ تحریم‌های آمریکا بخش آب ایران و به تبع آن، عراق، را تحت تاثیر قرار داده است.

برآمد

با توجه به اینکه ایران از جمله کشورهایی است که تا سال ۲۰۲۵ میلادی اغلب منابع آب زیرزمینی خودش را از دست خواهد داد؛^۵ باید دید آیا مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی یعنی مجلس، دولت، قوه قضاییه و در راس آنها نهاد رهبری، راه حلی برای برون رفت از این بحران در این ۵ سال باقی مانده خواهند یافت؟ یا همچنان روند بی مسئولیتی در قبال این حق اساسی مردم ایران ادامه پیدا خواهد کرد؟ حق بر دسترسی به آب در ایران بشدت نادیده انگاشته شده است. نبود برنامه مناسب برای تامین آب، تحریم‌های بین‌المللی، تغییرات اقلیمی و خشکسالی، گران بودن نرخ استفاده از آب و همین‌طور بی‌برنامگی دولت و نبود قوانین مناسب برای حمایت از اқشار آسیب‌پذیر، مواردی هستند که تا به صورت اصولی اصلاح نشوند، این حق را تحت الشعاع قرار خواهند داد.

A woman in a black dress is walking on a rocky, dry path. She is carrying a large, cylindrical metal water container on her back, which is secured with a strap. She is also holding a white plastic bag in her right hand. The background shows a dry, hilly landscape with some trees and rocks.

عدم پرداخت قبض آب از جانب شهروندان بنا به دلیل مالی، به هیچ عنوان این اختیار را به دولت و شرکت‌های آب نمی دهد که شهروندان‌شان را از این حق بشری محروم نمایند.

تخصیص این حق بشری محدود به ایران نیست و در کشورهای زیادی این مساله دیده می‌شود. دلیل آن هم این است که هنوز فعالان حقوق بشر نتوانسته‌اند دولت‌ها را مجاب کنند که سازوکار مناسبی برای افراد آسیب‌پذیر که توان پرداخت قبوض خود را ندارند، تدارک ببینند تا این شهروندان از حق دسترسی به آب محروم نشوند.

وضعیت دسترسی به آب در ایران و عملکرد حاکمیت جمهوری اسلامی

بر اساس آمارهای داخلی که مورد تایید منابع بین‌المللی^۱ نیز قرار گرفته، بیش از ۹۰ درصد مردم ایران به آب آشامیدنی دسترسی ندارند اما این تمام ماجرا نیست. بر اساس گزارش‌ها بسیاری از مردم ایران همچنان به آب سالم دسترسی ندارند. برای مثال بیش از یک میلیون نفر در سیستان و بلوچستان به آب سالم دسترسی ندارند و همچنان بسیاری از روستاییان در شهرهای استان‌هایی نظیر اصفهان برای کشاورزی به آب نیاز دارند ولی از آن محرومند. همینطور در شهرهای استان‌های جنوبی ایران نظیر خوزستان آب

همانطور که اشاره شد بر اساس قوانین داخلی اغلب کشورها از جمله ایران، خدمات دولتی نظیر تامین آب و برق و غیره هزینه‌هایی دارد که این هزینه‌ها باید توسط مصرف کنندگان یعنی شهروندان آن کشور پرداخت شود. این هزینه‌ها در قالب قبوض آب و برق و گاز توسط شهروندان پرداخت می‌شود اما سوال مهمی که نظر حقوقدانان را در این رابطه به خود جلب کرده، این است که در صورتی که برخی شهروندان به دلایل مالی، امکان پرداخت این قبوض را نداشته باشند، آیا دولت می‌تواند آب مصرفی آن خانوار را قطع کند؟

در ایران طبق قوانین دولتی در صورت عدم پرداخت قبض آب بعد از آخرین اخطار، برق مشترکین ظرف مدت دو روز قطع می‌شود^۷ اما بر اساس اصول حقوق بشری این امر به شدت مورد انتقاد است چراکه فقر و عدم توانایی مالی برای پرداخت قبض، نباید موجب محرومیت شهروندان از ابتدایی‌ترین نیاز یعنی دسترسی به آب شود. در همین ارتباط گزارشی^۸ از گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور آب و سلامت وجود دارد که طی این گزارش خانم کاترینا دودو آلبوکرک قطع انشعاب آب توسط مقامات در شهر دیترویت آمریکا را بشدت محکوم می‌کند و در آن استدلال می‌کند که حق دسترسی به آب یکی از اصلی‌ترین انواع حقوق بشر است و

7. <http://www.qudsonline.ir/news/502922/-و-فاضلاب-مشتکان-بهدکار-به-آب>
 8. <https://news.un.org/en/story/481542/10/2014-detroit-city-backed-water-shut-offs-contrary-human-rights-say-un-experts>

جنوبی ایران^۱، بحران آب از سوی حاکمیت به عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده تلقی شد و همین مساله منجر به سرکوب تظاهرات مردم و در نتیجه نقض حقوق دیگر شهروندان مانند حق آزادی بیان و حق آزادی تجمعات شد. بنابراین تاثیر منفی بحران‌های آبی بر امنیت و ثبات کشورها می‌تواند به تحدید سایر اشکال حقوق بشر منجر شود.

حق دسترسی به آب در قوانین جمهوری اسلامی

قوانین جمهوری اسلامی رویکرد دوگانه ای در قبال حق بر دسترسی به آب دارد. از طرفی قوانین ایران حق بر آب را مورد شناسایی قرار داده‌اند و از طرف دیگر، این حق، یک حق مالی در نظر گرفته شده و در هیچ شکلی به صورت رایگان در اختیار شهروندان قرار نمی‌گیرد، حتی در موارد استثنایی!

قانون اساسی جمهوری اسلامی^۲ ذیل اصل سوم خود حق دسترسی ایرانیان به آب را مورد تأکید قرار می‌دهد. بند ۱۲^۳ از این اصل مقرر می‌دارد که دولت موظف به تأمین بهداشت برای تمام ایرانیان است و واضح است که تأمین بهداشت جز با تأمین دسترسی مردم به آب امکان پذیر نخواهد بود. منشور حقوق شهروندی^۴ مصوب دولت روحانی نیز در ماده دوم خود تصریحاً به حق بر آب اشاره می‌کند و اشعار می‌دارد: «شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی ... برخوردارند». بر اساس قانون توزیع عادلانه آب^۵ اما، کلیه منابع آبی کشور در اختیار حکومت اسلامی بوده و طبق مصالح عامه از آنها بهره‌برداری می‌شود و مسئولیت حفظ و اجاره، نظارت و بهره‌برداری از آنها به دولت محول شده است.

در همین راستا ماده ۹ قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب اشاره می‌کند که بهره‌مندی از آب رایگان نبوده و هزینه‌های اشتراک انشعاب، نرخ آب مشروب و هزینه‌های جمع‌آوری و دفع فاضلاب شهرها با در نظر گرفتن هزینه‌های بهره‌برداری و استهلاک توسط مجمع عمومی شرکت تهیه و پس از تصویب شورای اقتصاد از مصرف‌کنندگان وصول خواهد شد! و متأسفانه در این باره هیچ قوانین حمایتی برای اقرار آسیب‌پذیر در نظر گرفته نشده است.

عدم پرداخت قبض نمی‌تواند توجیهی برای قطع دسترسی شهروندان به آب باشد

1. <https://www.reuters.com/article/us-iran-security-water-crisis/water-crisis-spurs-protests-in-iran-idUSKBN1H51A5>
2. https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution

۳. پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

4. <http://media.president.ir/uploads/ads/148214204462093500.pdf>

5. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90679>
6. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91861>

[illegible]

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net

